

اجتماعی ملل متحد بود. در سال ۱۹۴۷ اتحاد مزبور پیشنهاد کرده بود که کمیسونی تحت نظر ملل متحد برای حفظ منابع نفت جهان و دسترسی عموم به موجودیهای نفت و کنترل قیمت ها تشکیل شود. پیشنهادی که اتحاد مزبور به هیئت نمایندگی ایران تسلیم کرده عبارت بود از این که ملی شدن نفت ایران برسمیت شناخته شود و قرارداد طولی‌المدتی بین ایران و اتحاد مزبور و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد گردد که بموجب آن اتحاد مزبور بهای عادلانه‌ای بشرکت نفت برای استفاده از کشتیها و وسایل فروش آن پردازد و بایران هم بهای عادلانه‌ای برای نفت خام و تصفیه شده آن تأدیه نماید. هیئت مدیره سازمانی که برای این امر تشکیل میشد مرکب بود از نه نفر که سه نفر آنها را ایران و سه نفر را شرکت نفت و سه نفر دیگر را کشورهای مصرف کننده نفت انتخاب میکردند و سرمایه‌ای که برای راه انداختن این سازمان لازم بود از طرف بانك بین‌المللی تضمین میگردد. این پیشنهاد از طرف هیئت نمایندگی ایران رد گردید و مورد قبول واقع نشد.

پیشنهاد دیگری که به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شد از طرف بانك بین‌المللی بود و چون ایران و انگلیس هر دو عضو بانك مزبور بوده و سهامی در آن داشتند پیشنهاد مداخله بانك در حل قضیه نفت ایران با حسن قبول طرفین تلقی گردید. در تاریخ چهارم آذر ۱۳۳۰ مستر رابرت گارنر معاون بانك بلندن رفت و با اولیای وزارت خارجه انگلستان مذاکرات مفصلی درین باب نمود. خلاصه پیشنهاد بانك که در لندن تنظیم شد این بود که بانك بعنوان امانت داری صنعت نفت ایران را اداره نماید و سرمایه‌ای که لازم است برای این کار تهیه کند و سپس محصول نفت ایران را بشرکت نفت ایران و انگلیس بقیمت معمول در خلیج فارس بفروشد و پس از وضع تخفیف معینی آنرا بدولت ایران تأدیه نماید. وزارت خارجه انگلیس اصرار داشت که کارشناسان فنی انگلیسی دوباره در صنعت نفت ایران استخدام شوند.

در جراید خارج چنین وانمود کرده بودند که مبتکر طرح دخالت بانك بین‌المللی در امر نفت غلام محمد فرمانروای کل پاکستان بوده که توسط سفیر پاکستان در واشنگتن با دکتر مصدق تماس گرفته و طرح مزبور را پیشنهاد کرده است ولی حقیقت امر این بود که بانك بین‌المللی باغوای کارتل نفت از دولت پاکستان که دولت مسلمانی بود تقاضای وساطت درین امر را کرده بود. بهر حال وقتیکه خبر مذاکرات معاون بانك با دولت انگلیس توسط خبر گزاریهای خارجی در تهران منتشر گشت مهندس حسینی و دکتر شایگان که هر دو از نزدیکان دکتر مصدق و عضو هیئت مختلط بودند ضمن مصاحبه با روزنامه کیهان اظهار داشتند که پیشنهاد بانك بین‌المللی برخلاف اصول صریح قانون ملی شدن صنعت نفت است بدین معنی که قانون ملی شدن نفت بهره برداری و استخراج از نفت ایران را برای هر مؤسسه یا دولت بیگانه منع کرده است. و چند روز

بعد باز مهندس حسیبی در مصاحبهٔ باروزنامهٔ کیهان (دوم دیماه) گفته بود «نفت ایران برای دول غرب و برای جهان ارزش حیاتی دارد و بدلائل زیر بیسجوجه دنیا نمیتواند کمبود نفت ایران را باین زودپها و حتی تا پنج سال دیگر از بازار بین‌المللی جبران کند.»<sup>۱</sup>

در تاریخ ۱۶ آذر گارنر معاون بانک بین‌المللی بامریکا مراجعت نمود و سه روز بعد از آن مستر بلاک<sup>۲</sup> رئیس بانک مزبور بلندن رفت تا با چرچیل و ایدن و متصدیان وزارتخانه‌های دارائی و خارجه و سوخت مذاکرات را ادامه دهد. مستر بلاک نظر بعضی از اولیای امور انگلستان را دربارهٔ قسمتی از پیشنهاد های بانک چندان مساعد نیافت و بعد معلوم شد علت این امر سفری بود که چرچیل در پیش داشت و قرار بود بزودی بواشنگتن رفته و با رئیس جمهور امریکا ملاقات نماید. قصد دولت انگلیس این بود که قبل از ملاقات مذکور تعهدی ننماید تا آنکه توافق کاملی بین سیاست امریکا و انگلستان در قضیهٔ نفت ایران حاصل گردد. این بود که بلاک بواشنگتن مراجعت نمود تا طرح پیشنهادی بانک را با در نظر گرفتن اعتراضات طرفین تکمیل نماید.

در تاریخ نهم دیماه دو نفر از اعضای بانک بین‌المللی با اسم پرودوم<sup>۳</sup> و ریز<sup>۴</sup> بتهران وارد و بنماینده‌گی از طرف بانک بادولت وارد مذاکره شدند. پرودوم رئیس ادارهٔ وام بانک بین‌المللی بود و ریز مشاور بانک در امور نفت بود. ریز در صنعت نفت امریکا سابقهٔ طولانی داشت و از سال ۱۹۰۵ با شرکت نفت تکساس ارتباط داشت و برای مدت پنج سال قبل از جنگ دوم جهانی ریاست شرکت مزبور را عهده دار بود. نمایندگان بانک نامهٔ مستر گارنر معاون بانک بین‌المللی را بتاريخ ۶ دیماه تسلیم نخست وزیر نمودند و نخست وزیر هم جواب نامهٔ مزبور را در تاریخ ۱۲ دی ماه بآنها داد.

مستر گارنر در نامهٔ خود نوشته بود: بانک در نظر ندارد بطور دائم یا بعنوان يك عمل تجارتي وارد صنعت نفت شود و تنها مقصود بانک در موضوع نفت ایران یکی آنست که از ضرر اقتصادی که در نتیجهٔ قطع شدن عملیات نفت ایران پیش آمد میکند جلوگیری نماید و دیگر آنکه دو نفر از اعضاء خود را بحل اختلافاتی که بین آنها پیش آمده است موفق سازد لذا وظیفهٔ بانک این نیست که در مورد این اختلافات قضاوت نموده یا حکمیت نماید. بانک پیشنهادی برای راه حل دائمی تهیه ننماید بلکه برعکس میخواهد يك ترتیب موقتی برای راه انداختن عملیات وسیع نفت در جنوب ایران پیشنهاد کند تا بدین وسیله بدون اینکه ضرری بحقوق طرفین ذینفع وارد شود جریان دائم در آمد تأمین گردد. پیشنهاد های بانک بقرار زیر بود: (الف) عملیات صنعت نفت

(۱) افزاینی بی نظیر محصول نفت کویت و عربستان سعودی و عراق در چند سال اخیر و ساختن پالایشگاه های متعدد در اروپا بطلان نظار فوق را ثابت کرده است.

Torkild Rieber (۴)

H. Prudhomme (۳)

Eugene Black (۲)

(۵) متن این دو نامه در جراید تهران مورخهٔ ۱۴ دیماه درج شده است.

تحت مدیریت هیئت‌مدیره از اشخاص بیطرف که بوسیله بانک انتخاب و در مقابل بانک مسئول باشند اداره شود. بانک اختیار داشته باشد کارمندان دیگر را که برای حسن اداره عملیات لازم تشخیص دهد استخدام یا از خدمت معاف نماید. البته سیاست بانک این خواهد بود که فقط تا حدی که بنظر بانک لازم باشد کارمند غیر ایرانی استخدام نماید. کلیه هیئت مدیره و کارمندان و سایر اعضا در مقابل بانک مسئول باشند.

(ب) به بانک اختیارات کامل که لازم برای اجرای ترتیب موقت و حسن اداره عملیات باشد داده خواهد شد.

(ج) خدمات بانک فقط جنبه موقتی داشته باشد و فهیمنده شود که پیشنهاد بانک و ترتیب موقت هیچگونه خدشه‌ای بحقوق طرفین ذینفع وارد نخواهد ساخت.

(د) خدمات بانک بدون سود بوده و تحت شرایطی باشد که بانک را در مقابل خطرات بیمورد مصون نگاهدارد.

(ه) بانک تعهد نمیکند تا زمانیکه درآمدهای کافی واصل نشده است وجوه لازم برای پرداخت مخارج براه انداختن صنعت نفت را تأمین نماید.

(و) بانک قراردادی برای صدور کلیه نفت و فروش آن از طرق توزیعی که اکنون مستقر و موجود میباشد منعقد خواهد ساخت.

(ز) وجوه حاصل از فروش نفت بعد از وضع هزینه‌ها بطریق زیر تقسیم میشود: یک‌قسمت بایران - یک قسمت بخیریدار کل - و بقیه بطور امانت نزد بانک باقی

میانماند. (ح) این ترتیب برای مدتی در حدود دو سال خواهد بود (در صورتیکه درین

مدت یک راه حل قطعی پیدا نشود) ولی در نظر گرفته می‌شود که از آن بعد نیز ادامه یابد مگر اینکه یکی از طرفین آنرا فسخ کند. بانک حق خواهد داشت در هر موقع این ترتیب را فسخ کند.

در جوابی که نخست‌وزیر بنامه فوق داد طرز تقسیم منافع را بطوریکه پیشنهاد

شده بود رد کرد و اشعار داشت که دخالت بانک در امور بهره برداری باید بعنوان مأموریت از طرف دولت ایران باشد که باید نفت را بدستور دولت ایران اداره کند

و حساب آنرا بدهد و هرگونه مخارجی که نموده با سود منصفانه و حق الزحمه خود در حساب منظور دارد و هیچگونه تعهدی غیر ازین دولت ایران بنا بانک نخواهد

داشت. در باره سایر مواد نیز توضیحاتی خواست تا پیشنهاد بانک واضح تر گردد. پس از اختتام مذاکرات بین ترومن و چرچیل در واشنگتن روز ۱۸ دسامبر

بیانیه‌ای در باره مذاکرات مزبور منتشر شد که جملات زیر در آن مندرج شده بود: «دولتهای ما مضمحل هستند که سکون و آرامش و ترقیات صلح‌جویانه و سعادت

کشورهای خاورمیانه را تشویق و ترویج نمایند. این ما توافق نظر کاملی راجع

بهدفهایی که درین قسمت جهان داریم موجود است و وزیران خارجه کشور های ما سعی خواهند نمود که متفقاً سیاستهایی که مورد موافقت ما میباشد اجرا نمایند . . . ما هر دو امیدواریم ابتکاری که از طرف بانک بین المللی شده منتهی به حل قضیه نفت ایران بشود بطرزیکه مورد پذیرش همه علاقمندان مربوطه واقع گردد .

روز بیستم دیماه ایدن وزیر خارجه انگلستان ضمن نطقی که در دانشگاه کولومبیا واقع در شهر نیویورک ایراد کرد چنین گفت : « در ایران ما در صدد این هستیم که بین آرمانهای ملی و حقیقی مردم و احتیاجات ملل آزاد سازشی بدست آوریم . ما آرزو داریم صنعت بزرگ نفت آنکشور که ما ایجاد کننده آن بوده ایم دوباره بکار افتد تا موجب سعادت مردم ایران شده و بر منابع اقتصادی دنیا نیز بیفزاید . درین آرزو هیچ گونه طمعى موجود نیست . ما تاکنون نتوانسته ایم پیشنهادهای عملی درین باره از دولت ایران بدست آوریم تا روی آنها بمذاکره بپردازیم ولی بانک بین المللی اکنون با دولت مزبور تماس گرفته و ما صمیمانه امیدواریم که این قدم منتهی بمذاکرات ثمر بخشی خواهد شد . ما اصول کلی پیشنهاد بانک مزبور را قبول داریم و عقیده مند هستیم که پیشنهاد های مزبور عادلانه میباشد . »

روز ۲۲ دیماه دو نفر نمایندگان بین المللی که بتهران آمده و مسافرتی هم بجنوب برای بازدید مؤسسات نفت کرده بودند از تهران عزیمت نموده و بامریکا رفتند تا پیشنهاد های بانک را تهیه کرده و بعد تقدیم دولت بدارند .

در ملاقاتی که روز ۶ بهمن سفیر کبیر انگلیس با نخست وزیر برای خداحافظی کرده پیام زیر را نخست وزیر توسط او برای دولت انگلستان فرستاد :

« دولت و ملت ایران همیشه خواهان این بوده اند که با هیچ دولتی هیچوقت کوچکترین اختلافی نداشته باشند و من نمیدانم چرا دولت انگلستان کاری را که با حسن نیت و سهولت می توان تمام کرد تمام ننموده و این اختلاف بین دو دولت تاکنون باقی است . چنانچه راهی که در گذشته طی شده بمنفعت دولت انگلستان است مانع ندارد که همان راه را طی نمایند ولی اگر غیر از این است بایستی راه دیگری انتخاب نمود تا این اختلافات مرتفع گردد . »

روز ۱۵ بهمن ایدن وزیر خارجه انگلیس در مجلس مبعوثان چنین گفت :

« در خصوص ایران و پیشرفت امور در آنجا گزارش امید بخشی ندارم که بعرض مجلس برسانم . پاسخ بدوی دولت ایران بیانک بین المللی در اوایل ماه گذشته چندان امید بخش نبود . با وصف این من اینطور استنباط میکنم که بانک در کاری که پیش گرفته پا فشاری دارد و مصمم است بدانند چه کمکی میتواند بشماید که این کار را ازین مرحله بن بست خارج سازد . هفته پیش که سفیر کبیر ما برای خداحافظی نزد دکتر مصدق رفته بود پیامی باو داده شد که بدولت انگلیس برساند . درین پیام

دکتر مصدق گفته بود چرا دولت انگلستان کاری را که با حسن نیت و سهولت میتوان تمام کرد تمام نکرده و این اختلاف بین دو دولت هنوز باقی است. باید اعتراف کنم که پیام مزبور موجب تعجب بسیاری برای من شد و حیرت انگیز بود. این پیام را باید در مقابل اقدام دولت ایران قرارداد که قونسولگریهای ما را بسته و از قبول سفیر کبیر جدید ما که شخص برجسته و پسر شخص برجسته ای است خودداری مینماید. ادعای نخست وزیر ایران که متصدیان قونسولگریهای ما در امور داخلی ایران دخالتهای ناروایی میکنند کاملاً بی اساس است و هیچگونه دلیل و مدرکی که ادعای مزبور را ثابت کند و اقدام مذکور را موجه سازد ابراز نداشته اند. معیناً شاید اقدام دولت ایران مبتنی بر ملاحظات خارجی نبوده و مسبب آن سیاستهای داخلی بوده است که طبق اطلاعات واصله از ایران تا حدی پیچیده میباشد. در باره تعیین سفیر کبیر جدید دولت ایران اعلام داشته است کسانی را که سابق در ایران بوده اند نخواهند پذیرفت و اگرچه ایرادی با انتخاب مستر هانکی ندارند معیناً چون او سابقاً در ایران بوده از پذیرفتن او امتناع دارند. و نیز شنیده ام که چون او بزبان فارسی آشنا میباشد مطلوب آنها نیست و چنین ایرادی بنظر بسیاری غریب می آید. با این وضع دولت فعلاً در نظر ندارد که سفیر دیگری بایران اعزام دارد و با وجود تمام این پیش آمد های نامطلوب ماجدیت خواهیم کرد که در روابط بین دو کشور بهبودی حاصل شود. «

روز ۲۱ بهمن دومین میسیون بانك بین المللی بریاست گارنر بتهران وارد شد و مذاکرات با دولت را تجدید نمود. روز ۲۵ بهمن شهرت یافت که مذاکرات با نمایندگان بانك به بن بست رسیده و روز ۲۶ بهمن عده ای از سناتور ها از طرف مجلس سنا انتخاب شدند که با نخست وزیر تماس گرفته و نگرانی مجلس سنا را درین باب اظهار دارند. همانروز نمایندگان سنا با نمایندگان بانك ملاقات کرده و مذاکراتی بین آنها صورت گرفت و تا حدی از وقفه مذاکرات جلوگیری شد. روز ۳۰ بهمن گارنر و پرودوم از تهران عزیمت نموده و اظهار داشتند که برای امکان خروج نفت ایران اقدامات خود را تعقیب می کنند. گارنر پس از حرکت از تهران بلندن و واشنگتن رفت و با اولیای دولت انگلیس و امریکا مذاکره نمود و بالاخره روز سیزدهم اسفند پرودوم بتهران مراجعت نمود که مجدداً با دولت مذاکراتی بنماید.

روز ۲۶ اسفند اعلامیه مشترك دولت و نمایندگان بانك بشرح زیر در تهران منتشر گشت :

« نمایندگان بانك بین المللی چندین جلسه از ۲۲ بهمن تا ۲۵ اسفند با آقای نخست وزیر و مشاورین ایشان در باره مسئله نفت مذاکره نمودند. این مذاکرات که خیلی روشن و دوستانه انجام گرفت شامل مسائل عمده مربوط بعملیات صنعت نفت

بود. در بعضی نکات تا حدی موافقت حاصل شد ولی متأسفانه در بازه چند مسئله مهم حصول توافق میسر نگردید. نمایندگان بانك از تعطیلات عید نوروز و عید یك استفاده نموده و بواسطه آن خواهند رفت تا نتیجه این مذاکرات را به هیئت مدیره بانك گزارش دهند و در صورتی که بنظر برسد که پیشرفتهای دیگری در مذاکرات ممکن است حاصل شود نمایندگان بانك حاضر خواهند بود که مجدداً مراجعت نمایند. علت عدم توفیق بانك بین المللی در حل قضیه نفت ایران در گزارشی که نخست وزیر در تاریخ سی و یکم اردیبهشت ۱۳۳۱ به مجلس سنا داد ذکر شده و بدینقرار است:

« همانطور که در بالا بعرض رسید نظریات هیئت نمایندگی بانك بین المللی طوری بود که قبول آن برای دولت ایران مقدور نبود و خلاصه مذاکرات این بود که:

۱- راجع بکارشناسان خارجی - نظر دولت اینجانب این بوده است که عده مورد لزوم از ملیت های بیطرف انتخاب گردیده و به کارگمارده شوند در صورتیکه نمایندگان بانك یکی از شرایط اصلی امکان حل قضیه نفت را بازگشت کارشناسان انگلیسی تلقی می کردند.

۲- در طرز اداره موقت منابع نفتی ایران از طرف بانك بین المللی - نظر دولت ایران برین اساس استوار بود که بانك باید خود را درین عمل نماینده یا نایب مناب دولت ایران بداند و با توجه به نتیجه حاصله از عمل خلع ید بهره برداری مجدد دستگاه را شروع نماید ولی نظر بانك این بود که بیچوجه خود را با موضوع خلع آشنا نکند و بدون اینکه وضع حاصل از خلع ید را در نظر بگیرد و دولت ایران را متصرف بشناسد عمل بهره برداری را مستقلاً انجام دهد.

۳- راجع بقیمت نفت خام - نظر بانك این بود که از قیمت هر بشکه نفت خام که در خلیج فارس یك دلار و هفتاد و پنج سنت است. اولاً ۵۸ سنت یعنی یك ثلث تخفیف برای خریدار کل محسوب شود. ثانیاً ۳۰ سنت برای هزینه تولید نفت خام منظور گردد. ثالثاً ۳۷ سنت بعنوان سپرده در نظر گرفته شود که تا خاتمه رفع اختلاف نزد بانك بماند. رابعاً بقیه مبلغ که ۵۰ سنت می شود بدولت ایران تأدیه گردد.

۴- راجع بقیمت نفت تصفیه شده - هم نظر بانك این بود که برای هر بشکه یك دلار و هفتاد و پنج سنت بشرحی که در قسمت راجع بقیمت نفت خام متذکر گردید منظور نموده و ضمناً ۵۰ سنت بابت مخارج تصفیه و سه سنت بعنوان استفاده از دستگاه تصفیه خانه بدولت پردازد. بایستی متذکر گردم که قیمت متوسط هر بشکه نفت تصفیه شده با توجه به نسبت محصولات مختلفی که از نفت ایران بدست می آید

بر اساس قیمت خلیج مکزیک معادل دو دلار و هفتاد و پنج سنت میباشد.  
روز ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ وزارت خارجه آمریکا اعلامیه‌ای در واشنگتن انتشار داد  
و طی آن رویه آمریکا را نسبت بقضیه نفت بشرح زیر روشن ساخت :-  
« دولت ایران چند بار کتبا و شفاهاً از کشورهای متحد آمریکا درخواست وام  
و کمک مالی مستقیم کرده تا بتواند مشکلات خویش را که بر اثر از دست دادن عواید  
نفت خود پیش آمده حل نماید. رویه کشورهای متحد آمریکا در پاسخ درخواستهای  
مزبور این بوده که آمریکا با اینکه علاقمند است بایران کمک لازم و مقتضی بنماید  
معیناً دولت آمریکا نمیتواند مادام که برای ایران مقدور است درآمد شایسته‌ای از  
صنعت نفت خود بدون زیان وارد ساختن بتمایلات ملی خویش بدست آورد این نوع کمک را موجه  
سازد. همچنان خاطر نشان گردیده که کشورهای متحد آمریکا بارسنگین مالی بمنظور  
ایجاد صلح ثابت و پایدار بر عهده گرفته است و تقبل تعهدات دیگر از طرف آمریکا نسبت  
بکشوری که وسائل کمک بخود را دارد امر بسیار دشواری خواهد بود. کشورهای  
متحد آمریکا هیچگاه چنانکه درجراید ایران انعکاس یافته اعطای کمک بایران را  
مشروط باین نکرده که دولت ایران باید شرایط پیشنهاد های خاصی را قبول کند.  
آمریکا همواره برین عقیده بوده است که حل قضیه نفت ایران بنحوی که منافع مشروع  
ایران و انگلیس محفوظ بماند و اداره صنعت نفت از لحاظ اقتصادی بار دیگر عملی گردد  
امکان پذیر میباشد. ما معتقدیم که پیشنهاد بانك بین المللی برای کمک باین موضوع  
فرصت مناسبی را برای رسیدن بمقصود مذکور فراهم آورده است گو اینکه حل این  
قضیه بطور موقت صورت بگیرد. ما همچنین امیدواریم که فورمولی پیدا شود که  
برای طرفین قابل قبول باشد. »

روز چهارم فروردین ۱۳۳۱ پرودوم نماینده بانك بین المللی که از ایران  
بلندن رفته بود اظهار داشت که مأموریت بانك بین المللی را در تهران باید خاتمه یافته  
تلقی کرد. ایرانیان در مورد استخدام کارشناسان خیلی سختگیری میکنند در صورتیکه  
دکتر مصدق موقعیکه در واشنگتن بود نمایندگان بانك اختیار تام داده بود که اگر  
بخوانند کارشناسان انگلیسی را هم دعوت کنند. در موقع ورود به نیویورک هم پرودوم  
اظهارداشت مأموریت بانك بین المللی در ایران پایان رسیده و در محیط فعلی ایران  
حصول توافق در قضیه نفت امکان پذیر نیست.

روز ۶ فروردین ۱۳۳۱ دولت ایران اعلامیه‌ای در جواب اعلامیه وزارت خارجه  
آمریکا منتشر کرد که قسمتی از آن در زیر نقل میشود :-

« در موضوع تقاضای وام هم لازم است توضیح داده شود. موقعی که اینجانب  
(دکتر مصدق) برای دفاع از حقوق جا کمیته ملت ایران عازم آمریکا بودم قبل از حرکت

از طرف حضرت پرزیدنت ترومن دعوت شدم که بواشنگتن بروم و از ملاقات ایشان کسب فیض نمایم. چون در ضمن ملاقات علاقه مفراطی بر فراه و آسایش ملت ایران اظهار نمودند و بر اینچنان معلوم و مسلم بود که دولت انگلستان با وسایلی که همیشه ملل ضعیف را تحت استعمار در آورده و با وجود احتیاج مبرمی که دنیا بخت ایران دارد باین زودی نخواهد گذاشت که حتی دول اروپای شرقی هم قطره‌ای از نفت ما خریداری کنند بنابراین بوسیله دونا مه از حضرت ایشان تقاضای وامی نمودم و این تقاضا بدلائل ذیل موجه بود. اول آنکه دولت امریکا بموجب اعلامیه تهران که بامضاء مرحوم پرزیدنت روزولت رسیده بدولت ایران وعده کمکهای اقتصادی داده است. دوم آنکه دولت انگلیس بواسطه نقصان عوایدی که از ملی شدن صنعت نفت در ایران حاصل کرده بود و نمیتوانست بودجه تسلیحاتی خود را تأمین کند از دولت امریکا تقاضای وام نمود و دولت امریکا هم آنرا اجابت کرد. جواب مساعد قبول دولت امریکا بتقاضای دولت انگلیس سبب شد که دولت ایران هم که در وضعیت مشابهی قرار گرفته بود و یکی از اعضاء وفادار سازمان ملل متحد است و بواسطه عدم فروش نفت خود نمیتوانست حقوق کارگران آبادان و کسربودجه خود را تأمین کند از دولت امریکا همان تقاضا را بکند. اینک بر طبق اعلامیه وزارت خارجه امریکا معلوم شده است که آندولت نظر مساعدی درین باب ندارد دولت ایران هم موضوع را تعقیب نخواهد کرد. در موضوع پیشنهاد بانک بین‌المللی هم دولت ایران کرارا حسن نیت خود را برای پیدا شدن راه حل عادلانه که مطابق تمایلات ملت ایران یعنی در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت باشد نشان داده است و هر گاه بانک بین‌المللی راه حلی پیشنهاد نماید که با تمایلات ملت ایران مغایرت نداشته باشد دولت ایران با کمال میل در پیشرفت آن همکاری خواهد کرد.

### بخش هشتم - دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه

دولت انگلستان در تاریخ چهارم خرداد ۱۳۳۰ دادخواستی علیه ایران تقدیم دادگاه لاهه نموده تقاضا کرد که دیوان مزبور یا اعلام دارد که طبق مواد ۲۲ و ۲۶ قرارداد ۱۹۳۳ دولت ایران موظف بوده اختلاف خود را با شرکت نفت ایران و انگلیس بدواری رجوع نماید و یا آنکه اعلام دارد که تغییر و الثای قرارداد ۱۹۳۳ برخلاف موازین حقوق بین‌المللی بوده و دولت ایران باید شرکت مزبور غرامت پرداخته و ترضیه آنرا فراهم آورد.

در تاریخ پانزدهم خرداد دیوان مزبور قرار دادی بعنوان اقدامات تأمینیه برای جلوگیری از اجراء خلع ید که دولت ایران شروع کرده بود صادر کرد که دولت ایران



بواسطهٔ عدم صلاحیت دیوان لاهه مردود و بی اعتبار شناخت. در تاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۳۰ لایحهٔ اولیهٔ دولت انگلیس راجع به صلاحیت دعوی آندولت بر علیه ایران بدیوان تسلیم شد و باطلاع دولت ایران رسید. لایحهٔ مزبور مورد مطالعه قرار گرفت و پس از بررسی و مشاوره با متخصصین حقوقی جوابی تحت عنوان «ملاحظات مقدماتی راجع بر صلاحیت دیوان از طرف دولت ایران» تهیه و در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۳۰ تسلیم دیوان گردید.

پس از آنکه در تاریخ چهارم فروردین ۱۳۳۱ دولت انگلستان لایحهٔ دوم خود را تسلیم دادگاه نمود دادگاه مزبور بدو روز ششم ماه مه برای رسیدگی تعیین وقت کرد ولی بر حسب استمهالی که دولت ایران تقاضا کرد جلسهٔ بروز ۱۹ خرداد موکول گردید. دولت ایران پروفیسور هانری رولن<sup>۱</sup> و مسیو مارسل سلوزنی<sup>۲</sup> را بعنوان مشاور حقوقی و وکیل مدافع خود انتخاب کرده بود و وکلای دولت انگلستان هم عبارت بودند از سراریک بکت<sup>۳</sup> مستشار حقوقی وزارت خارجهٔ انگلستان و سر لایونل هیلد<sup>۴</sup> دادستان کل انگلستان.

روز چهارم خرداد دکتر مصدق نامه‌ای بمجلس شورای ملی نوشته و کسب اجازه برای رفتن به لاهه نمود و درین نامه ذکر کرده بود که: «دولت ایران صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی را در رسیدگی باین موضوع طبق دلایلی که در لایحهٔ جوابیه تسلیم دیوان مزبور نموده نمیتواند قبول کند و چنانچه قراری مبنی بر صلاحیت خود صادر نماید بملاحظهٔ اینکه دخالت در حق حاکمیت ملی ما است برای دولت ایران غیر قابل قبول میباشد و تصمیم اینجانب در مسافرت بلاهه فقط بمنظور بیان رد صلاحیت دیوان و در ضمن ایراد به صلاحیت ذکر دلایل ملت ایران در لزوم ملی کردن صنایع نفت میباشد. بدیهی است که بحث ایراد عدم صلاحیت عنوان محاکمه نخواهد داشت.»

همانروز دکتر مصدق نطقی از رادیو خطاب بمردم ایران ایراد و در ضمن آن چنین گفت:

«اکنون که بنخواست خداوند متعال بار دیگر برای دفاع از حق ملت ایران سفری دشوار در پیش دارم وظیفهٔ خود میدانم از عموم هموطنان عزیز که با کمال بردباری و شکیبایی در برابر مشکلات عظیمی که پیش آمده ثبات و استقامت خود را از دست نداده‌اند سپاسگزاری و تشکر نمایم. . . . اینک دادگاه لاهه علاوه بر ماجراهای گذشته با مظالم جدیدی مواجه است که بعد از تاریخ صدور رأی شورای امنیت نسبت بماعمال شده است. محاصرهٔ اقتصادی - جلوگیری از فروش متاع موجود - تحریکات در داخله - کارشکنی در خارجه - تهدید بخیریداران نفت - اغوای همسایگان

و مجاورین علیه ما - دسائس در بحرین و جزائر خلیج فارس - تعطیل ارتباطات تجارتنی - توقیف امتعه و اشیائی که باید بما تحویل دهند و اقدامات دیگر ازین قبیل. اینها مصائبی است که بعد از جریان شورای امنیت برای ما فراهم آورده و عرصه را بما تنگ ساخته و از بسیاری مواد مورد احتیاج مردم کشور را محروم نموده اند. حریف خواسته است ز فشار های اخیر دو نتیجه بدست آورد - یکی آنکه بواسطه ایجاد اشکالات و اختلافات عده ای از شما ها از پشتیبانی این خدمتگزار منصرف شوید تا از قوای دفاعی ما در دادگاه لاهه کاسته شود. دیگر آنکه مرا از پیشرفت منویات ملی مایوس و ناامید نموده شاید خود بخود کنار بروم و میدانرا برای اجرای روش دیرینه آنها خالی گذارم . . . . . بهرحال بسا توکل بحضرت احدیت و اتکاء بسلاح حق و حقیقت و استظهار بتوجهات خاصه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و پشتیبانی مجلسین و قاطبه هموطنان عزیز سفر پر خطر خود را برای دفاع از حق مشروع ملت ایران بانجام میرسانم.»

روز هفتم خرداد نخست وزیر باتفاق دکتر شایگان - الله یار صالح - مهندس حسینی - دکتر بقائی - دکتر علی آبادی - بلاهه عزیمت نمودند. روز نوزدهم خرداد اولین جلسه دادگاه تشکیل و نخست وزیر ایران نطقی ایراد کرد که قسمتهائی از آنرا آژانسهای خارجی بشرح زیر بتهران مخابره و در جراید همانروز تهران منتشر گردید. پاره ای از بیانات او بشرح زیر است :

دکتر مصدق طی نطقی که در افتتاح جلسه ایراد کرد گفت شما نمیتوانید ملت کوچکی را از دفاع حقوق خود در برابر حملات مزورانه یک ملت بزرگ که از لحاظ صنعتی و اقتصادی و مالی قوی میباشد بازدارید. من از شما تقاضا میکنم که با احساسات ملی ما واقف شوید و اطمینان دارم که این کار را خواهید کرد. هدف اصلی و عمده سیاست انگلستان این است که نفت ایران را در انحصار خود درآورد و تاکنون منافع زیادی از آن برده است. او دولت انگلستان را بامپریالیزم متهم کرد و خاطر نشان ساخت که قبل از احاله دعوی خود بدادگاه انگلستان باعمال زور و فشار مبادرت نمود. وی عملیات شرکت نفت را نمونه ای از امپریالیزم خواند و گفت پس از اینکه قانون ملی شدن بتصویب رسید دولت انگلیس با اعزام چتر بازان بکشور های همسایه ایران و ارسال سفاین جنگی بآبهای ایران بتهدید و تحویف ایران دست زد. دولت انگلستان توطئه هائی علیه ایران چیده بود تا زندگی مالی و اقتصادی ما را دچار اخلال کند و ازین وضع بنفع خود استفاده ببرد. دولت انگلیس با مراجعه بدادگاه بین المللی خواسته است خود را در اختلاف ایران و شرکت نفت قربانی شده قلمداد نماید. دکتر مصدق خاطر نشان ساخت که برای مدت سی سال بر اثر نفوذی که دولت انگلیس بردولتهای وقت ایران داشت کشور ایران را درحالت فساد و خرابی نگاهداشت

ولی پس از ملی شدن صنعت نفت بتمام این اوضاع خاتمه داده شده است . دولت انگلیس شرکت نفت را بصورت دولتی در داخل قلمرو دولت ایران در آورده بود . شرکت مزبور نه تنها در داخل حوزه عملیاتش بلکه در سراسر ایران سرویس جاسوسی ترتیب داده بود . انگلیسها با بدبخت ساختن مردم ایران میکوشیده اند جیب خود را پر کنند . همه چیز در دست آنها بود و ایران از لحاظ حق السهمی که میگرفت در واقع در تاریکی و گمنامی مانده بود . دولت انگلیس بآنهم اکتفا نکرده و حمل و نقل نفت را نیز در انحصار خود گرفت و کلیه امور حساس فنی نیز بدست انگلیسها اداره میشد .

پس از نطق نخست وزیر پروفیسور هانری رولن حقوقدان معروف بلژیکی دلایل ایران را دایر بعدم صلاحیت دیوان مطرح نموده و گفت که دیوان نسبت برسیدگی پیاره ای از دعاوی انگلستان صلاحیت ندارد زیرا که دولت ایران قبلاً قبولی خود را نسبت بصلاحیت اجباری دیوان پس گرفته است و نیز گفت که مسئله نفت از اختیارات و مسائل داخلی ایران است و نمیتواند در دیوان مورد بحث واقع شود و قرارداد ۱۹۳۳ بین دولت ایران و شرکت نفت منعقد شده و نه بین دو دولت لذا رسیدگی بآن از حدود صلاحیت دیوان خارج است .

بیانات و کیل ایران در دادگاه چندروز طول کشید و پس از او و کلائی انگلستان شروع باظهار مطالب خود کردند و این جریان تا روز دوم تیرماه ادامه یافت . روز سوم تیرماه نخست وزیر از لاهه بتهران مراجعت کرد و روز سی و یکم تیر دیوان بین المللی دادگستری با کثرت نه رأی در مقابل پنج رأی عدم صلاحیت خود را نسبت بادعای انگلستان در قضیه نفت اعلام داشت . قاضی روسیه شوروی بواسطه کسالت در جلسات دادگاه حضور بهم نرسانده بود و قاضی هندوستان هم بعلت اینککه در موقع طرح قضیه ایران در شورای امنیت سمت نمایندگی دولت خود را درشورا داشت در جلسات حضور نیافت . قضاتی که در اقلیت بوده و دیوان را صالح برای رسیدگی میدانستند عبارت بودند از قاضی امریکا و کانادا و شیلی و برزیل و از جمله قضات اکثریت که بعدم صلاحیت دیوان رأی دادند قاضی انگلیسی بود که موجب تحسین بسیاری قرار گرفت .

روز اول مرداد ۱۳۳۱ در مجلس مبعوثان انگلستان از چرچیل نخست وزیر آن کشور سؤال شد که پس از رأی دیوان لاهه نظر دولت انگلستان درباره نفت ایران چه خواهد بود و او در جواب چنین گفت :

« دولت انگلستان در موارد عدیده توضیح داده است که بنظر آن فراورده های صنعت نفت در جنوب ایران متعلق بشرکت نفت ایران و انگلیس میباشد و بهمین جهت هرگونه اقدام عملی که برای جلوگیری از فروش نفت ایران باشخص ثالث لازم

باشد بعمل خواهد آمد. این که دیوان لاهه خود را صالح برای رسیدگی بشکایت دولت انگلستان ندانسته فقط مشعر برین است که دادگاه مزبور نتوانسته است راجع بماهیت قضیه وارد شود و این تصمیم بهیچوجه حقانیت دعوای ما را از بین نمیببرد و تأثیری در حق بلاتردید ما در حفظ منافع یکی از اتباع خود که همان شرکت نفت ایران وانگلیس باشد نخواهد داشت. دولت انگلستان مساعی خود را برای حقی که از آن ضایع شده ادامه خواهد داد. >

## بخش نهم - استعفای دولت وتشکیل کابینه دوم دکتر مصدق

پس از مراجعت دکتر مصدق از امریکا و تصمیم بشروع انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی کسانیکه داوطلب نمایندگی مجلس بودند وامیدی بمساعدت دولت برای انتخاب خود نداشتند بوسایل گوناگون مخالفت خود را بادولت ابراز میداشتند. انتخابات دوره هفدهم نیز مانند ادوار گذشته جریان یافت و اعمال نفوذ با شدت تمام حکمفرما بود ولی چون طبق معمول دولت میخواست طرفداران و هواخواهان خود را در مجلس جای دهد و رقیبان آنها راضی نبودند مبارزه شدیدی بین عمال دولت و سایر متنفذین که از مساعدت دولت برخوردار نبودند در گرفت بطوریکه انتخابات بسیاری نقاط معوق ماند و زد و خورد های شدیدی بین دو قسمت از طبقه حاکمه که داوطلب انتخاب شدن بودند بوقوع پیوست.

در انتخابات تهران که روز ۲۰ بهمن ۱۳۳۰ با تمام رسید تمام وسایلی که دولتهای سابق برای انتخاب نامزدهای خود بکار میبردند اعمال شد و همه نامزد های دولت انتخاب گردیدند وعده آرائی که خوانده شد بالغ بریکصد و چهل هزار رأی بود و آشکار میساخت که همان آلات و ابزار سابق بکار رفته است تا این عده انتخاب گردند بخصوص که چند نفر از کاندید های دولت اشخاص نسبتاً گمنامی بودند که نام آنها را هم مردم ناقبل از انتخابات نشنیده بودند. دولت کوشش بسیار نمود که کاندید های حزب توده در هیچیک از نقاط ایران انتخاب نشوند و درین باره مساعی دولت کاملاً ثمربخش واقع گردید. در ولایات هم هر جا که دولت کامیابی برای کاندیدهای خود نمیدیدند انتخاب آن نقطه را یا بتغویق میانداخت و یا آنکه در حین انتخابات عملیات را متوقف میساخت. باوجود این مراتب باید اذعان کرد که انتخابات دوره هفدهم کاملاً از روی لیست و باصطلاح فرمایشی نبود زیرا مبارزات سخت و خونریز بها و تشنجاتی که در جریان انتخابات مشهود گشت دلیل برین بود که در بعضی نقاط کم و بیش آزادی عمل برای متنفذین موجود بود و چنانکه در بالا گفته شد مبارزات مزبور بین دودسته از طبقه حاکمه یعنی هواخواهان دولت و مخالفین آن جریان داشت.

روز ۲۶ اسفند ۱۳۳۰ بیست نفر از سناتورها تقاضای جلسه خصوصی مجلس سنا را کرده و در آن جلسه دربارهٔ اوضاع عمومی کشور و سیاست اقتصادی دولت مفصلاً بحث کرده و نگرانیهای خود را اظهار داشتند و تصمیم گرفتند که نایب رئیس مجلس سنا و دو نفر دیگر از اعضاء هیئت رئیسه سنا با نخست وزیر ملاقات کرده و از دولت بخواهند که قبل از تعطیلات عید مجلس را از نظریات و سیاست عمومی خود مستحضر دارد. روز ۲۸ اسفند این ملاقات صورت گرفت و پس از آن سخنگوی دولت مفاد ملاقات مذکور را بشرح زیر منتشر کرد :-

« امروز نمایندگان سنا با آقای نخست وزیر ملاقات و اظهاراتی باین شرح بیان داشتند : مجلس سنا از اوضاع عمومی کشور نگران است. مخصوصاً دو موضوع است که مورد توجه و بحث درسنا است یکی امنیت عمومی و یکی هم وضعیت اقتصادی و فقر عمومی است که همه شریک هستیم و آقای نخست وزیر که مسئولیت هر دو قسمت را به عهده دارند ما مأمور شده ایم از طرف مجلس سنا که سؤال بکنیم برنامه دولت برای این دو امر چیست ؟ آقای نخست وزیر اظهار داشتند این دولت از بدو ورود مرامش استخلاص مملکت از استعمار و استثمار بوده و اگر بعضی از دول خاورمیانه بتوانند این رژیم را تحمل بکنند وضعیت جغرافیایی ایران بهیچوجه اجازه نمیدهد که ایران این رژیم را ادامه دهد زیرا ادامهٔ این رژیم کار مملکت را بجائی خواهد رسانید که استقلال و آزادی خود را بکلی از دست بدهد. روی این اصل چون شرکت سابق نفت بزرگترین وسیلهٔ استعمار و استثمار بود لازم شد که بواسطهٔ ملی شدن صنعت نفت این وسیله بکلی از بین برود و ملت ایران با آزادی حقیقی خود رسیده و استقلال خود را برای همیشه تأمین کند. بدیهی است اشخاصی که از این رژیم استفاده میکردند راضی نمیشوند منافع شخصی آنها از بین برود و البته سعی و کوشش میکنند که وضعیت سابق بحال خود باقی و این قضایای ناامنی در بعضی نقاط و همچنین وقایعی که در دو مرتبه در شهر تهران اتفاق افتاد معناً بواسطهٔ دخالت آنها در کار بوده است. البته يك ملتی که بخواهد بنعمت آزادی و استقلال برسد تحمل این قبیل اموز را که ملل بزرگ هزار درجه بیش از این مبتلا بشدند شده اند و جنگها کرده اند و ملیونها نفوس را از دست داده اند مسئله بزرگی نیست. در اینجا باید مجلس سنا تصمیم بگیرد که یا برای آزادی و استقلال مملکت کار بکند و حاضر بشود هر گونه فداکاری را بکند و یا اینکه حاضر بشود همان رژیم در مملکت ادامه پیدا کند. انتخاب این دو طریقۀ مربوط بخود مجلس سنا است که از هر جهت صلاحیت دارد و صاحب مملکت است. بعضی مسائل از ضرب و شتم و یا قتل نفس اینها چیزهایی نیست که در عهد این دولت رخ داده باشد. قبل از این دولت هم درین مملکت بوده است. همچنانکه سوء قصد نسبت با علیحضرت همایون شاهنشاهی کردند و فاعل را همانوقت از بین بردند که قضایا کشف نشود. و اما راجع بمسئله اقتصادی -

کار اقتصاد این مملکت چیزی نیست که در زمان این دولت خراب شده باشد. کسر بودجه ما سالها بوده است و از شهریور ۱۳۲۰ عده واردین بخدمت دولت سه برابر شده است. البته آنهایی که میخواهند مملکت ایران صورت صحیحی بخود بگیرد و همیشه پریشان و مستأصل باشد هیچوقت حاضر نمیشوند که مملکت ایران در کار اقتصادی خود قدمی برفع ملت بردارد و هر وقت که ملت خواسته است درین کار اقدامی بکند بمشکلات زیادی برخورد کرده است. البته وظیفه مجلس سنا است که درین باب مطالعاتی بکند و بهیند اگر صلاح مملکت درین است که بانظریات شرکت سابق موافقت بشود و يك پولی که بهیچوجه متناسب با حق ملت ایران نیست بگیرند و آنرا صرف کارهاییکه تا کنون شده و بهیچوجه برای ملت ایران مفید فایده نبوده است بشود البته این کار باید بشود و اگر صلاح این است که ما مثل بعضی ملل که بهیچ وجه عایدات نفت ندارند از عایدات نفت صرف نظر بکنیم و بودجه کشور خود را بصورت تعادل دریاوریم و چنانچه عایدات نفتی رسید صرف مخارج تولیدی بشود و اگر هم نرسید برای چند میلیون لیره استقلال مملکت از دست نرود باید این کار بشود. در هر حال چه در امور انتظامی و چه در امور اقتصادی وظیفه مجلس سنا است که شور و بحث کند و هر طور صلاح مملکت است عمل بکند. دولت حاضر غیر از خیر خواهی و غیر از آمال ملی نظر دیگری ندارد و هر وقت مجلس سنا ازین دولت اظهار عدم رضایت بکند دولت بوظیفه قانونی خود عمل خواهد کرد. و اما راجع بمسائل اقتصادی نظر دولت این است که اینکار باید بادست مجلس سنا و مجلس شورایی انجام بگیرد و هر طور که مجلسین صلاح مملکت را بدانند اظهار نظر بفرمایند و دولت عمل بکند.

شرح فوق یکی از بهترین نمونه های روش دفاعی دکتور مصدق است. چون مجلس سنا انتقاداتی کرده و نگرانیهایی اظهار داشته بود نخست وزیر بطرز فوق همه انتقادات را برخلاف مصلحت مملکت شناخته و از انتقاد کنندگان خرده گرفته بود و تلویحاً به سنا تذکر داده بود که در مسائل کلی باید مجلسین مشترکاً تصمیم بگیرند و در غیاب مجلس شورای ملی اظهارات آنها تأثیر قانونی ندارد.

درباره انتخابات مجلس شورای ملی هم که بسیاری از مردم انتقاد کرده و خرده گرفته بودند دفاع نخست وزیر بشرحی بود که در زیر نقل شده است و این هم باز نمونه دیگری از روش دفاعی او میباشد.

دکتور مصدق در پیامی که بمناسبت عید نوروز ۱۳۳۱ از رادیو برای مردم فرستاد چنین گفت :-

« راجع بان انتخابات - بجهاتی که محتاج بعرض نیست قانون انتخابات در مجلس شورای ملی تجدید نظر نشده و بنابراین بسیار مشکل بود که اینجانب بتوانم انتخاباتی

را بروفق صلاح مملکت و نظریات مردم انجام دهم ولی دو چیز سبب شد که شانه از کار خالی نکنم. اول اینکه کار نفت با مجلس پیوستگی داشت و لازم بود جریان کار روز بروز بمجلس عرضه شده و از آراء صائبه نمایندگان ملت استفاده شود و فترت بین مجلس شانزده و هفده بهیچوجه مصلحت نبود زیرا تجربه حاصل شده که بیگانگان هر وقت خواسته اند کاری بر ضرر کشور انجام دهند ایجاد فترت کرده اند و در مدت انفصال مجلس شورای ملی نیات شوم خود را بکشور و ملت تحمیل نموده اند و برای کوتاه ساختن ایام فترت ناچار بودم که انتخابات را بهر فرض و احتمال خوب یا بدی شروع کنم. روی این اصل آن عده از مأمورین دولت از قبیل فرماندار و بخشدار و مأمورین شهر بانی و ژاندارمری و دارائی که احتمال نفوذ آنها در انتخابات بود عوض شدند و روابط مأمورین دست نشانده با کسانی که آنها را بکار گماشته بودند قطع گردید ولی باین عمل هم دو چیز سبب شد که انتخاباتی که باید صدی صد برفع ملت تمام شود مقدور نگردید. اول آنکه برای انجام انتخابات اشخاص مورد اعتماد بحد کافی نبود و ناچار بودم که از همان مأمورین سابق که نسبتاً مورد اعتماد بودند استفاده کنم و برای اثبات بیغرضی بقیده قرعه آنها را از محلی بمحل دیگر انتقال دهم و البته هر صفتی از خوبی و بدی که در آنها بود با خود بمحل مأموریت بردند و قهراً بعضی قسمتها خوب عمل نشد و در بعضی ایجاد عدم رضایت کرد. دیگر آنکه از مداخلات بعضی از مأمورین و مردمی که ثروت و نفوذ محلی داشتند بطور کامل جلوگیری مقدور نگردید و آزادی بیسابقه انتخابات موجب شد که انجمنهای نظارت هم که در ادوار سابق مطیع مأمورین دولت بودند در بعضی نقاط ازین آزادی سوء استفاده کرده بجای اینکه یک برگ رأی مشکوک را باطل کنند با بطلان صندوقها پرداختند، با اینحال اطمینان کامل دارم که ۸۰ درصد از نمایندگان که بمجلس میروند نماینده حقیقی ملت خواهند بود. و جز بصلاح مملکت کاری نمیکنند و از همین نظر است که هواخواهان شرکت سابق نفت سعی دارند قبل از تشکیل مجلس هفدهم با اعتراضات غیر منطقی دولت را ساقط نموده و بمقصود خود برسند. هموطنان عزیز آنچه از بررسی اخبار خارجی مستفاد میشود امیدواری بیگانگان باین است که اختلافی بین ماموجود باشد که بتوانند نظر خود را بما تحمیل کنند یا دولتی را که گمان میبرند با خواسته های آنها موافقت نکند ساقط کنند. شما باید بدانید که اینجانب با کسالت و ضعف مزاج کناره گیری از کار بسیار برایم مفید است ولی برای آنکه کار بصلاح کشور تمام شود پایداری و استقامت را ادامه خواهم داد و امانتی را که بمجلس شانزدهم به اینجانب سپرده است بمجلس هفدهم با سرعت و وقت خواهم سپرد تا بعبانیت خداوند متعال و توجهات ملوکانه و راهنمایی مجلسین راهی را که به نیمه آن رسیده ایم پایان برسد. در خاتمه این اندرز صمیمانه را بهموطنان عزیزم عرض میکنم که تفرقه و یأس و نومیدی برنده ترین حربه حریف است و باید ملت ایران بیش از پیش بیدار و مراقب اوضاع بوده و از آن حذر کند. >

در تمام دوره زمامداری دکتر مصدق زبردستی و مهارت فوق العاده ای که در سیاست داخلی بکار برده میشد در مراحل گوناگون آشکار و نمایان میگشت. در اواخر سال ۱۳۳۰ طبقه حاکمه و متنفذین و ثروتمندان بواسطه اینکه حل قضیه نفت به بن بست رسیده بود و مذاکرات با شرکت نفت و میسون اعزامی دولت انگلستان و نمایندگان بانک بین المللی بجائی نرسیده بود سخت نگران شده و بیم این را داشتند که بحران اقتصادی موجب این شود که عناصر متمایل بچپ توفیقپائی در نقشه های خود حاصل کنند. عقیده نخست وزیر پس از مسافرت با آمریکا این شده بود که باید با صبر و تحمل قضیه نفت را حل کرد و هنوز عقیده داشت که اگر مدتی تأمل در کار شده و استقامت نشان داده شود انگلستان بناچار شرایط او را قبول کرده و قضیه را حل خواهد کرد. این بود که میخواست در داخل اتحاد و اتفاقی مانند آنچه در ایام اولیه حکومت او موجود بود همواره برقرار باشد تا در فرصت مقتضی کار نفت را با انجام برساند. لکن انتخابات دوره هفدهم و بحران اقتصادی طبقه حاکمه را نگران کرده بود و میبایستی بهر نحوی هست آنها را ساکت و آرام نگاهدارد. هر وقت لازم میشد که از متنفذین استمالتی بشود دولت اقدامات شدیدی بر علیه حزب توده مینمود و هر گاه به میتینگ و تظاهرات احتیاجی پیدا میگشت آزادی عمل بیشتری بدسته های چپ داده میشد. در اوایل سال ۱۳۳۱ دولت متوجه شد که باید متنفذین را ساکت و آرام نمود و لذا فشار را متوجه عناصر چپ کرد.

در هفته اول فروردین ۱۳۳۱ تظاهرات غیر منظمی از طرف جوانان دموکرات که منتسب بحزب توده بودند ابراز شد و دسته بان ایرانیستها که هواخواه دولت بودند با آنها مخالفت کرده و کار بزد و خورد هائی در کوچه ها و خیابانهای تهران کشید که قریب به پنجاه نفر از طرفین مجروح و توقیف شدند. روز ۸ فروردین میتینگ بزرگی از طرف کانون جوانان دموکرات در میدان فوزه ترتیب داده شد که عده کثیری در آن شرکت کردند و سخنگویان حملات شدیدی با آمریکا و انگلستان و دولت و ارتش نمودند و در پایان میتینگ دستور داده شد که شرکت کنندگان بطور جمعی بطرف خانه صلح و کانون جوانان دموکرات مراجعت کنند. در مراجعت تظاهر کنندگان شمارهای «امریکائی به کشور خود برگرد» را مکرر میگفتند و رو بروی سفارت انگلیس تظاهرات شدیدی کردند. در خیابان نادری مأمورین انتظامی دستور دادند که جمعیت متفرق شود ولی این دستور اجرا نگردید و زرد و خورد با پلیس شروع شد که منتهی بکشته شدن دونفر و زخمی شدن بیش از پنجاه نفر گردید. روز دهم فروردین دولت اعلامیه ای صادر کرده و گفت چون چندی است اجتماعاتی ظاهراً برای سخنرانی ولی عملاً برای اقداماتی بر علیه امنیت و انتظام تشکیل داده میشود و در نتیجه جلوگیری مأمورین و حمله اشخاص مفسده جو اغتشاش و آشوب پیا شده منجر با تلاف نفوس میگردد و این اقدامات دامنه دار برای ایجاد



اختلال امنیت و انتظام امور عمومی صورت میگیرد لهذا از روز دهم فروردین برای یکماه حکومت نظامی در تهران و حومه برقرار میشود.

روز ۲۳ فروردین نخست وزیر از نمایندگان دوره هفدهم مجلس شورای ملی که تا آنوقت انتخاب شده بودند در منزل خود جلسه معارفه ای تشکیل داد و بیانات زیر را برای آنها ایراد نمود :

« بعد از تشکر و اظهار امتنان از آقایان نمایندگان محترم که بیشتر آنها از راه دور تحمل زحمت نموده و اینجانب را سرافراز فرموده اند اجازه میخوام مطالبی را که بنظر اینجانب واجد اهمیت بوده و لازم بعرض میدانم در اینجا بیان نمایم. مطالب منظوره جزء اسرار نیست ولی علاج آنها از مشکلاتی است که باید بهمت و کمک قاطبه ملت که امروز شما آقایان نماینده آنها هستید صورت بگیرد. البته آقایان انتظار دارید و درین انتظار نیز محق هستید که تصور فرمائید همانطور که دولت در خلع بد شرکت اقدام نموده بایستی بفوریت در فروش محصولات نفتی هم اقدام میگرد که این بهران کنونی پیش نیاید. این منظور شما عین مطلوب دولت نیز بوده و هست ولی چه باید کرد که پیش آمد هائی رخ داد که کاملاً غیر متظره بود و نمیشد قبلاً پیش بینی نمود. روزیکه تصمیم گرفته شد اتباع انگلیس از خوزستان خارج شوند و قسمتی از خاک کشور را که قبضه کرده بودند ترك کنند پاره ای مشکلات پیش بینی میشد. تصور میشد که بجای ۳۲ میلیون تن مواد نفتی که در سال اخیر شرکت سابق نفت تهیه میکرده ما بتوانیم خودمان لا اقل پنج میلیون تن تهیه کنیم که قسمتی از حاصل فروش صرف مخارج بهره برداری شده و قسمت دیگر آن احتیاجات مالی ما را مرتفع کند و کارشناسان خارجی هم تصدیق میکنند که بدون کمک دیگران میتوانیم این مقدار نفت را تهیه کنیم. متأسفانه مشکلات بحدی بوده است که تا حال نتوانستیم از نظر اقتصادی کامیاب شویم و این مشکلات بعضی داخلی و برخی خارجی است که لازم میدانم هر یک از آنها را توضیح و تشریح کنم. ما میدانستیم آنهایی که بواسطه حمایت بیگانگان و فساد دستگاه ما که آنهم معلول دخالت اجنبی در امور داخلی است موفق شده اند ثروت هنگفتی بدست آورند کوچکترین کمکی درین موقع تنگدستی بدستگاه این دولت نخواهند کرد و غلبه ملت را بر اجنبی موجب اضحلال خود میدانند و بنابراین در مبارزه ملت ایران با اجانب محال است که بکمک ملت خود برخیزند که اینک اوراق قرضه ملی را بجز معدودی از متمکنین اشخاصی خریدند که بهیچوجه استطاعت مالی نداشتند. ما میدانستیم که بین ارباب جراید و نمایندگان مجلسین کسان معینی هستند که در خدمت و حمایت بیگانگان آنقدر تعصب دارند که از هیچگونه ناسزا و افتراء نسبت به موطنان خود خودداری ندارند. . . . . . و اما راجع بشکلات خارجی، ما تصور میگردیم اگر

(۱) در بین مطالب نقل شده از هفته های دیگران غالب قسمتهائی بوده که ربطی به مقصود نداشته و یا تکرار مطالب سابق بوده است و هر جا که حذف آنها از نظر اختصار لازم بنظر رسیده جای آن چند نقطه گذاشته شده است .

بعوائد نفت احتیاج داریم دولت انگلیس هم بنفت ما نیازمند است چه نفت ما علاوه بر سوخت برای او در حکم کالائی بود که از انگلستان به ممالک دیگر صادر میکرد و بدینوسیله از فروش نفت ایران تحصیل ارز مینمود و احتیاجات دیگر خود را از سایر کشورها مرتفع میکرد ولی متأسفانه دولت انگلیس احتیاجات خود را بوسیله کمک امریکا برطرف نمود یعنی از امریکا دلار گرفت و نفت مورد احتیاج را خریداری کرد و نتیجه این شد که بتراند ما را تحت فشار قرار دهد یعنی هر کسی خواست از ما نفت بخرد او را از معامله باما منصرف و دستگاه نفت ما را متوقف کرد بطوریکه هر کسی هم که تاکنون باما قراردادى بسته آنرا اجرا نکرده است و اکنون ما در سر يك دوراهی واقع شده ایم که فی المثل یکی ما را بجهنم میبرد و آند دیگری به بهشت. اگر ما به حیثیات ملی خود پشت پا بزیم و آزادی و استقلال خود را از دست بدهیم و از تمام مفاسد تاریخی خود صرف نظر نموده طوق بندگی و رقیت را بگردن نهیم و با هر گونه شرایطی که بانکهای بین المللی بما تحمیل کنند موافقت کنیم این همان راهی است که ما را بجهنم میبرد و گمان ندارم چنین فرض شومی مورد رضای پادشاه محبوب شما و یا مجلس هفدهم و سنا باشد. این نکته مسلم است در هر اقدامی که بضرر یکطرف قوی صورت پذیرد حصول نتیجه از آن اقدام آنقدرها آسان نیست. ملل رنج دیده که دچار پنجه های غدار و طماع دول استعماری هستند باید فداکاریها بنمایند تا بتوانند آزادی و استقلال کامل خود را تأمین کرده و منابع خدا داد کشور خویش را از دست دیگران بدر آورده استفاده هائی را که دیگران از کشور آنها میبردند خودشان ببرند. نیل باین مقصود مقدس در ابتدای شروع بعمل مستلزم محرومیتها و از خود گذشتگیها و ناکامیها میباشد. نا برده رنج گنج میسر نمیشود. تاریخ نشان نداده است که ملتی بدون تحمل شدائد در تأمین آزادی و استقلال خود توفیق حاصل کند. اگر کسانی تصور کنند که ممکن بود نفت این منبع زرخیز کشور را از زیر سلطه بیگانه بیرون آورد و بانهایت سهولت مورد استفاده قرارداد و مسیر سیل طلا را از لندن متوجه تهران نمود یقین است فکری خطا و ناروا کرده اند. باما بایستی بهمان سهمیه ناچیز خود از نفت اکتفا کرده و اقدامی نینمودیم و یا وقتیکه اقدام کرده ایم چاره ای جز این نداریم که انواع تشبثات و ضدیتها و کارشکنیهای حریف را تحمل نماییم. . . . . از مراتب وطن پرستی و استقلال دوستی هموطنان انتظار کامل داریم که دولت را درین مرحله تقویت نموده نگذارند منویات سودبران خارجی و طرفداران داخلی آنها پیشرفت نماید و عملیات یکساله ملت و دولت را خنثی نماید. مطالعات عموم علاقمندان

(۱) این او این دفعه ای بود که دکتر مصدق ناشباه خود در باره احتیاج مبرم دیگران بنفت ایران اعتراف نمود و آخر این گفتار او با گفته های سابق او متایسه شود معلوم خواهد گشت که تا چه اندازه کارشناسان ختی اساعه نفت او را اغفال کرده بودند.

(۲) در موقتی که بیانات فوق ایراد میشست تازه ارقام افزایش بی نظیر محصول نفت کویت و عراق و عربستان سعودی در همان سال اول بعد از ملی شدن نفت ایران منتشر گشته بود ولی هنوز توجه عمومی را جلب نکرده بود که توقف استخراج نفت را در ایران با افزایش نفت کشورهای دیگر خاورمیانه جبران میکنند.

باینجا رسیده است که مشکل نفت صرفاً با صبر و تحمل حل شدنی است و اولین دوا و آخرین علاج را درین دانسته اند .

بقیه نطق فوق شرح و تفصیل برنامه اقتصادی بود که نخست وزیر تقاضا داشت نمایندگان مورد مطالعه قرارداد و در اجرای آن مساعدت نمایند .

کمک های نظامی امریکا بایران چندماه بود که قطع شده بود و مذاکراتی بین دولت و سفارت امریکا جریان داشت که قرارداد راجع به کمک مزبور را تجدید نمایند . قانونی که کنگره امریکا تصویب کرده مقرر میدارد کشورهای که کمک نظامی و اقتصادی از دولت امریکا دریافت میدارند باید متعهد شوند که به نیروی دفاعی جهان آزاد کمک نموده و در آن شرکت نمایند ولی در همان قانون ماده ای هست که بصلاحدید رئیس جمهور میتوان بعضی از کشورها را از چنین تعهدی در مورد کمکهای اقتصادی معاف نمود . دولت دکتر مصدق از قبول چنین تعهدی در ازای کمکهای امریکا امتناع داشت و بالاخره پس از مدت ها مذاکره فورمولی پیدا کردند و در تاریخ چهارم اردیبهشت دکتر مصدق نامه ای بسفارت امریکا نوشته و پس از استقبال از کمک امریکا اظهار داشت : « و تا آنجا که منابع ثروت و اوضاع عمومی ایران اجازه دهد از اصول منشور ملل متحد پشتیبانی و دفاع مینمایم و همچنین برای تقویت استعداد دفاعی خود آنچه میتوانم میکند و از هر طرفی که مورد حمله قرار گیرد با تمام قوا از آزادی و استقلال خود دفاع خواهد کرد . » فوری پس از ارسال این نامه کمک اصل چهار بملخ ۲۳ ملیون و کسری بجریان افتاد و وزارت خارجه امریکا اعلام داشت که کمک نظامی امریکا بایران ادامه خواهد یافت . این توفیق وضع دولت دکتر مصدق را تقویت کرد و معلوم داشت که دولت امریکا بادولت انگلستان هم عقیده نیست که حکومت دکتر مصدق را با فشار اقتصادی ساقط نماید .

روز هفتم اردیبهشت ۱۳۳۱ هفدهمین دوره مجلس شورای ملی از طرف شاهنشاه افتتاح گردید و در نطق افتتاحیه این جمله درباره نفت ذکر شده بود :-

« تأمین رفاه مردم و بالا بردن سطح زندگی افراد مخصوصاً طبقه کشاورزان و کارگران بوسیله اعمال تولیدی و استفاده از منابع طبیعی کشور از آنجمله بهره برداری از منابع نفت که صنعت آن در سراسر ایران ملی شده است . »

دکتر مصدق بواسطه کسالت در موقع آئین گشایش مجلس حضور نداشت و سفیر روسیه شوروی هم از حضور در مراسم مزبور خودداری کرده بود . شهرت داشت که غیبت او بواسطه عقد قرارداد جدید با امریکا راجع به کمک های نظامی بوده است .

روز دهم اردیبهشت دکتر مصدق نامه ای به مجلس شورای ملی نوشت و در آن گفته بود که دولت بانهایت جدیتی که در صحت جریان امر انتخابات دوره هفدهم بخرج داده آنطوریکه انتظار داشت توفیق حاصل نکرد و نتوانست از تجاوزات متخلفین جلوگیری کند و در نتیجه انتخابات بعضی از حوزه ها بصورتی درآمده که مورد اعتراض

شدید مردم واقع شده است. سپس درین نامه چنین تذکر داده بود: « اکنون که مملکت از خطر قترت نجات یافته و مقدرات کشور بدست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس بخوبی میتواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد و اشخاصی که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق درین نمایندگان وارد کرده اند رد کند. »

رواضح است که مقصود ازین نامه این بود که اعتبارنامه کسانی که مخالف دولت بودند رد شود ولی نمایندگان مجلس توجه زیادی بمندرجات این نامه نکردند و برحسب معمول اعتبارنامه های یکدیگر را تصویب نمودند.

سناتور مرتضی قلی بیات مأمور فوق العاده دولت در شرکت ملی نفت و کلیه استان خوزستان که از تاریخ ۲۳ اردی بهشت بآبادان رفته بود طی مصاحبه ای با خبرنگار کیهان چنین اظهار داشت: ۱

« من برای تنظیم و ترتیب کار در شرکت ملی نفت و افزایش درآمد و کم کردن مخارج و بازرسی در مورد شایعات حیف و میل شدن اموال شرکت ملی نفت و بررسی کامل از دارائی شرکت و تنظیم صورتهای منظم کار و رسیدگی کامل بامور مذکور باین استان آمده ام. آقای بیات در مورد شایعه حیف و میل شدن اموال شرکت ملی نفت و اینکه چه اشخاصی مورد سوء ظن و مقصر شناخته اند گفت فعلا نمیتوانم اطلاعات کاملی اظهار دارم و آنطور هم که این شایعه در تهران شیوع یافته حقیقت ندارد ولی البته در تحویل و تحول اموال شرکت از انگلیسها بایرانیها حیف و میل هائی شده است که مورد تحقیق و رسیدگی است. در مورد نارضایتی هائی که هم اکنون در کارمندان و کادر فنی شرکت ملی نفت وجود دارد و متأسفانه روز بروز رو بهتزايد است آقای بیات گفتند البته تحریکاتی وجود دارد (منبع این تحریکات را نگفت) معهدا کارمندان و کارگران همیشه جنبه وطن پرستی و حفظ منافع عالیه مملکت را در نظر دارند و اگر اشخاصی در صدد تحریک و دامن زدن باین نارضایتیها باشند مؤثر نبوده و جلوگیری خواهد شد. »

روز ۲۸ خرداد کشتی نفتکش « روزمری » که حامل نفت ایران بمقصد ایتالیا بود وارد بندر عدن شد و در نتیجه عرض حال شرکت نفت ایران و انگلیس بدادگاه عدن و صدور قرار از طرف دادگاه مزبور محمولات کشتی مزبور توقیف گردید. خریدار نفت یک شرکت ایتالیائی موسوم به «اپیم» بود و بار کشتی قریب به ۹۰۰ تن نفت خام و خریدار بابت قیمت آن ۸۰۰۰ دلار نزد شرکت ملی نفت ودیعه گذاشته بود. این کشتی بطرز فوق العاده مرموزی مسیر عادی خود را تغییر داده و به بندر عدن رفته بود و نماینده شرکت ایتالیائی «اپیم» در تهران ضمن نامه ای که بروزنامه کیهان نوشته و در شماره مورخه دوم تیرماه درج شده مدعی بود که توطئه عمال شرکت نفت ایران و انگلیس و مالک کشتی موجب توقیف کشتی شده بود.

روز ۱۴ تیر مجلس شورای ملی پس از تصویب اعتبارنامه ها آمادگی خود را اعلام کرد و طبق معمول دکتر مصدق استعفای دولت را بشاهنشاه تقدیم نمود . روز ۱۵ تیرماه مجلس شورای ملی با کثرت به نخست وزیری مجدد دکتر مصدق ابراز تمایل کرد . در موقع رأی در جلسه خصوصی عده شرکت کنندگان در رأی ۶۵ نفر بودند که ده نفر ورقه سفید داده و ۵۲ رأی باسم دکتر مصدق دو رأی باسم احمد قوام و یک رأی هم باسم نصرالله انتظام بود . روز ۱۶ تیرماه مجلس سنا طی عریضه ای از شاهنشاه تقاضا کرد که فرمان نخست وزیری دکتر مصدق صادر شود تا پس از تشکیل کابینه ودقت در برنامه دولت نظر قطعی سنا اعلام گردد . همانروز دکتر مصدق اظهار داشت که تامجلس صریحاً اظهار تمایل بزمامداری او نکنند از قبول مسئولیت معذور است . روز ۱۳ تیرماه از ۳۶ نفر عده حاضر در جلسه خصوصی مجلس سنا ۱۴ نفر بنخست وزیری دکتر مصدق ابراز تمایل کردند و بقیه آرا عبارت بود از یک ورقه باسم سرلشگر زاهدی ۱۹ ورقه سفید و دو ورقه هم باطله . در ابتدا دکتر مصدق نسبت بکمی رأی خود در مجلس سنا معترض بود ولی هیئت رئیسه مجلس سنا با او ملاقات کرده و او را قانع ساختند که زمامداری کشور را دوباره قبول نماید .

روز ۱۹ تیرماه فرمان نخست وزیری دکتر مصدق ابلاغ شد و روز ۲۲ تیر وی در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی حضور بهم رسانده و تقاضای اختیارات فوق العاده نمود . اکثریت نمایندگان با تصویب چنین اختیاراتی موافق بوده و معتقد بودند که برای اجرای اصلاحات ضروری اینگونه اختیارات لازم است و بعکس گروهی هم با این کار مخالف بودند .

پس از بحث مفصلی که در جلسه خصوصی بوقوع پیوست قرار برین شد که تصمیم موقوف بجلسه بعد گردد . روز ۲۵ تیرماه نخست وزیر قریب سه ساعت بشاهنشاه ملاقات کرد و پس از ملاقات مزبور استعفای خود را بشرح زیر تقدیم نمود :-  
پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار درین موقع حساس ایجاب میکند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشده البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند . با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه ای را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد  
فدوی «دکتر محمد مصدق»

خبر استعفای دکتر مصدق چه در داخل و چه در خارج مانند بمبی که ناگهان منفجر شود تأثیر فوق العاده ای نمود و تمام توجهات معطوف باین قضیه گردید که پس ازین قضیه چه وقایعی در ایران رخ خواهد داد . نمایندگان جبهه ملی بی درنگ اعلام داشتند که بازمامداری هر کس جز دکتر مصدق مخالفت خواهند کرد و در مجلس شورای ملی متحصن شدند . روز ۲۶ تیرماه جلسه خصوصی مجلس شورای ملی تشکیل و فقط ۴۲ نفر از

نمایندگان (که بیش از نصف نمایندگان حاضر در مرکز بودند) در آن حضور یافتند و با ۴ رأی بنخست وزیری احمد قوام اظهار تمایل کردند .

روز ۲۷ تیرماه فرمان بنخست وزیری احمد قوام صادر شد و بنخست وزیر جدید به خبرنگاران جراید اظهار داشت او اختلاف نظر با کسانی که صنعت نفت را ملی کرده اند ندارد ولی باراً کند گذاردن صنعت مزبور مخالف می باشد همان روز اعلامیه ای صادر کرد که لحن آن شدید و مندرجات آن بدون واقع بینی و حزم و احتیاط تنظیم گردیده بود که تأثیر بسیار سوئی در افکار عمومی کرد و همه تعجب کردند که یک سیاستمدار مجرب و آزموده ای که در گذشته موقع شناسی و مهارت خود را مخصوصاً در سیاست داخلی نشان داده است چرا باید چنین اعلامیه ای را صادر نماید. بعدها معلوم گشت که کسالت مزاج و تلقینات بعضی از نزدیکان نادان موجب اغفال و گمراهی احمد قوام شده که در اعلامیه خود گفته بود: « بهمان اندازه که از عوام فریبی در امور سیاسی بیزارم در مسائل مذهبی نیز از ربا و سالوس منزجرم کسانی که بیپناه مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه را تقویت نموده اند لطمه شدیدی با آزادی وارد ساخته زحمات بانیان مشروطیت را از نیم قرن با بنظر طرف بهدر داده اند . من در عین احترام بتعالیم مقدسه اسلام دیانت را از سیاست دور نگاه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرائی جلوگیری خواهم کرد... بهموم اخطار میکنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرارسیده است . کشتیبان را سیاستی دگر آمد.»

صبح روز ۲۶ تیر بیست و هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی که هوا خواه جدی دکتر مصدق بودند اعلامیه ای صادر کرده و اظهار داشتند که در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با مامداری دکتر مصدق میسر نیست و در تقییب این اعلامیه بیانه های متعددی از طرف گروه های مختلف سیاسی منتشر گشت که همه آنها از دکتر مصدق طرفداری کرده و مردم را دعوت بقیام بر علیه هر حکومت دیگری که تشکیل شود می نمودند. آژانس های خارجی خبر سقوط حکومت دکتر مصدق را با خوشوقتی توزیع نموده و جراید انگلستان و امریکا تغییر دولت ایران را بقال نیک گرفته و اظهار مسرت میکردند . در تهران شهرت یافت که احمد قوام بشاهنشاه پیشنهاد کرده است که فرمان انحلال مجلس شورای ملی صادر شود و قصد دارد یک حکومت دیکتاتوری و ارتجاعی بنفع بیگانگان ایجاد نماید. حزب توده هم که تا آنوقت هوا خواهی آشکار از دکتر مصدق نگردیده بود علناً به هوا خواهی او برخاست و بهموم اعضای خود دستور صادر کرد که خود را مجهز برای اعاده حکومت دکتر مصدق بنمایند .

در روزهای ۲۸ و ۲۹ تیر بازارهای تهران تعطیل و تظاهرات از طرف مردم بر علیه حکومت قوام ادامه داشت و زود و خوردهای شدیدی بین قوای انتظامی و تظاهر کنندگان بوقوع پیوست. قاطبه مردم معتقد بودند که نهضت ملی با روی کار آمدن دولت قوام تضعیف خواهد شد و زحماتی که در یکسال گذشته در راه ملی کردن نفت تحمل شده و با محرومیت های بسیار توأم بوده است نقش بر آب خواهد گشت. روز ۳۰ تیر مردم تهران دست بتعطیل عمومی زدند و هزاران نفر زن و مرد در تظاهرات شدید و بی سابقه بر علیه دولت قوام

شرکت نمودند و عده زیادی بضرر گلوله و سرنیزه قوای انتظامی مقتول و مجروح گردیدند. خبرهایی هم که از شهرستانها میرسد حاکی از این بود که تظاهرات دامنه‌داری بر علیه دولت قوام و طرفداری از دکتر مصدق انجام گرفته بود. روزنامه کیهان مورخه ۳۰ تیر در سرمقاله خود چنین نوشته بود:

«متأسفانه مأمورین انتظامی بجای اینکه بارویه مسالمت آمیز خود از وقوع حوادث ناگوار جلوگیری کنند و مردمی را که حتی حاضرند برای نیل به هدفها و آرمان های ملی خود سینه خویش را سپرنیزه و تفنگ سازند باحسن سلوک بحفظ نظم دعوت نمایند دست بر رفتار دور از انتظاری زدند که مایه تأثر عموم است و هیچ فرد بی انصافی با آن موافقت نتواند کرد. بروی مردمی که برادران آنها هستند و برای هدف و سعادتتی که خود آنها هم در آن سیمند و رشیدانه مبارزه می کنند تیرخالی کردند.» و نیز همان روزنامه نوشته بود که در تظاهرات ۳۰ تیر بیست نفر کشته و بیش از هزار نفر مجروح و دو بیست نفر بازداشت شده‌اند.

کسانی که ناظر و شاهد وقایع روز ۳۰ تیر بودند گواهی میدادند که تهران در آنروز خشمگین و منقلب بود. مردم عصبانی و مصمم بودند که برای دفاع از شرافت و منافع ملی خود از سروجان بگذرند. در مبارزه وسیع روز ۳۰ تیر همه طبقات مردم سپهیم و شریک بودند ولی ناظرین بیطرف و آگاه میگفتند که عناصر چپ و اعضای حزب توده نقش مهمی را بازی کردند و در مبارزه مزبور سهم عمده ای داشتند.

بعد از ظهر ۳۰ تیر چند نفر از نمایندگان مجلس که عضو جبهه ملی بودند بکاخ سلطنتی رفته و جریان احساسات مردم را بشاهنشاه عرضه داشتند. عصر آنروز احمد قوام از نخست وزیر استعفاداد. صبح روز ۳۱ تیر جلسه خصوصی مجلس شورای ملی با حضور ۶۴ نفر از نمایندگان تشکیل و پس از اخذ رأی معلوم شد که ۶۱ نفر از حاضرین بنخست وزیرى مجدد دکتر مصدق اظهار تمایل نموده‌اند. عصر همانروز دکتر مصدق در کاخ سعدآباد احضار گردید و در همان موقع بود که خبر رأی دیوان بین المللی دادگستری هم در تهران انتشار یافت و مردم بواسطه سقوط حکومت چند روزه احمد قوام و توفیق در لاهه غرق مسرت گردیدند. روز اول مرداد در جلسه خصوصی مجلس از ۴۱ سناتور حاضر ۳۳ نفر اظهار تمایل بنخست وزیرى دکتر مصدق نمودند و فرمان نخست وزیرى اوصادر گردید. روز پنجم مرداد دولت جدید دکتر مصدق بمجلس شورای ملی معرفی شد و پست وزارت جنگ راهم خود بنخست وزیر عهده دار بود.

روز هشتم مرداد بانك انگلیس در خاور میانه (که در سابق بنام بانك شاهنشاهی ایران معروف بود) فعالیت خود را در ایران متوقف ساخت و کارهای بانکی خود را تعطیل کرد. نظر بانك دولت ایران در شهریور ۱۳۳۰ معاملات ارزی بانك انگلیس را ممنوع کرده بود دیگر برای بانك مزبور صرف نداشت که فعالیت خود را در ایران ادامه دهد و بسته شدن بانك انگلیس يك توفیق دیگری برای دولت دکتر مصدق در مبارزه با انگلستان محسوب گردید.

در جلسه ۱۲ مرداد مجلس شورای ملی قانونی تصویب شد که ماده اول آن چنین میگفت: ۱

« چون احمد قوام یکی از عوامل مؤثر قتل و فجایع جریان اخیر که منتهی به کشتار دسته‌جمعی روز سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ و قیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است تشخیص و مفسد فی الارض شناخته شده علاوه بر تعقیب و مجازات قانونی بموجب این قانون کلیه اموال و دارائی منقول و غیر منقول احمد قوام از مالکیت او خارج میگردد. » در همان جلسه قانون‌اختیاراتی که دکتر مصدق تقاضا کرده بود با اکثریت زیادی بشرح زیر تصویب گردید: « بشخص آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر اختیار داده میشود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش ماه لوایحی که برای اجرای مواد نه‌گانه برنامه دولت ضروری است و در جلسه هفتم مرداد ۱۳۳۱ در مجلس شورای ملی و در جلسه یازدهم مرداد در مجلس سنا بشرح ذیل:

- ۱ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها
  - ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه بوسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیات های مستقیم و در صورت لزوم مالیاتهای غیر مستقیم
  - ۳ - اصلاح امور اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی
  - ۴ - بهره‌برداری از معادن نفت کشور با رعایت قانون نه ماده‌ای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و تهیه و تدوین اساسنامه شرکت ملی نفت
  - ۵ - اصلاح سازمانهای اداری و قوانین استخدام کشوری و قضائی و لشکری
  - ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی بوسیله وضع عوارض
  - ۷ - اصلاح قوانین دادگستری
  - ۸ - اصلاح قانون مطبوعات
  - ۹ - اصلاح امور فرهنگی و بهداشتی و ارتباطی
- تصویب شده است تهیه نموده و پس از آزمایش آنها را منتهی در ظرف ششماه که مدت این اختیارات است تقدیم مجلسین نمایند و تا موقعیکه تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم الاجرا میباشد. »

در مجلس سنا قانون فوق با مخالفتهای چندی مواجه گشت ولی در آن مجلس هم بالاخره در تاریخ ۲۰ مرداد بتصویب رسید. نکته‌ای که در ضمن مذاکرات جلسه ۲۰ مرداد مجلس سنا بیان شد و ذکر آن حائز اهمیت است این میباشد که دکتر متین‌دفتری از قول دکتر مصدق چنین گفت: « آقای نخست‌وزیر در جلسه دیروز اعتراف کردند که دادن اختیارات مطابق قانون اساسی نیست ولی وضع فوق‌العاده است. »

در خاتمه این بخش اظهار نظر یک روزنامه انگلیسی و یک روزنامه امریکائی را درباره حکومت جدید دکتر مصدق بطور نمونه نقل میکنیم. روزنامه تایمز لندن مورخه دوم مرداد ۱۳۳۱ در سرمقاله خود چنین نوشته بود:

« اغتشاش و آشوب و اعتصاب و درهم ریختن وضع موجب استعفای حکومت قوام شده است و اکنون هر تقاضاییکه دکتر مصدق بکند مورد قبول شاهنشاه واقع خواهد گردید.

(۱) نقل از روزنامه کیهان مورخه ۴۰ مرداد ۱۳۳۱. دکتر متین‌دفتری برادر زاده و داماد دکتر مصدق است و مسلماً نقل قولی که کرده صحیح بوده است و الا از طرف دکتر مصدق تکذیب میشد.



این نوع وقایع را میتوان بمنزله يك انقلابی بحساب آورد و نیروئی که موجب آن بوده همان نیروئی است که در ایران جدید ظاهر گشته و عبارت است از نفرت از بیگانگان که دكتر مصدق بترویج آن پرداخته و تعصبهای مذهبی که کاشانی هادی و راهنمای آن بوده و بی اعتنائی عمومی بروش اقتصادی معقولانه و هواخواهی عمیقی از وضع نامرتب اداری، دكتر مصدق همواره پیروی از سیاستهایی کرده است که مورد قبول احساسات عمومی بوده و بعواقب مادی آن اندك توجهی نداشته است. باخراج شرکت نفت بیگانه، يك نوع از احساسات بخصوص ایرانیان رافانع و راضی کرده است ولی بطور مداوم از تعقیب يك برنامه جدی و مفید برای دولت امتناع کرده است. توده های مردم نظر او را تأیید کرده و باو نیرو داده اند. مآلاً قیمتی که ایران برای چنین رویه ای باید پردازد بسیار گران خواهد بود لکن در حال حاضر ایران قیمت مزبور را بحساب تمیآورد .»

و روزنامه نیویورک تایمز مورخه سوم مرداد ۱۳۳۱ چنین نوشته بود :-

« برای کسانی که بامنطق و برهان سرو کار دارند درك این مطلب بسیار مشکل است که چگونه عدم مسئولیت اشخاص و انبوه مردم باعث شده که ایران در چنین وضع نامطلوبی قرار گیرد . احساسات ملی پر شور عامل مهمی در سیاست جهان میباشد مشروط بر آنکه مثبت و سودمند باشد ولی هنگامیکه احساسات مزبور تبدیل بیک انتحار دست جمعی شود از مرحله سلامت خارج شده و وارد مرحله بیماری روحی میگردد. ظاهراً دكتر مصدق يك سیاستمدار ماهری بنظر میرسد و او باید بداند که با قبول مساعدت حزب کومونیستی توده ( هر چند که چنین مساعدتی موقت باشد) برای ایجاد آشوبهای ضد خارجی او خود و کشورش را در يك وضع خطیری قرار داده است . او باید بداند که ملل متحد تاکنون یکبار ایران را از ضمیمه شدن بروسیه شوروی نجات داده و راهی را که اکنون او پیش گرفته است نجات ثانوی را دیگر موجه نخواهد ساخت. طریقی را که دكتر مصدق برای متشکل ساختن احساسات ملی اختیار کرده موجب ورشکستگی کشورش شده است و نتیجه مستقیم دستورها و بیانات او که مبتنی بر نفرت از بیگانگان است هر روز بر عده گرسنگان ایران میافزاید. دولت قوام هواخواه قانون و از ترور و قتل و نفس بزار بود. او میخواست که قضیه نفت بطرز سریع و عادلانه ای حل گردد. او اعتدال را در روابط با خارجیان و نظم و ترتیب را در داخل کشور پیروی میکرد و به ملت پیروی از چنین سیاستی آشوبگران توده ای فریاد میکردند که او را باید بدار آویخت. عناصری درین صحنه نمودار گشته است که از رقص مرك یادآوری میکند. بطور قطع قانون و نظم و آراستگی و منطق رخت بر بسته است. این وضع حاکی از احساسات ملی نیست بلکه دیوانگی میباشد .»

بخش دهم - پیشنهادهای دولتین امریکا و انگلیس

در تاریخ ۱۶ مرداد وزارت خارجه ایران نامه زیر را بسفارت انگلستان ارسال

داشت :-

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود بسفارت کبرای انگلستان توقیراً مراتب ذیل را باستحضار میرساند :

۱- از آنجا که ملی کردن صنایع و مؤسسات از حقوق مسلم هرملتی است و باستناد همان اصل عده‌ای ازدول منجمله انگلستان بعضی از صنایع و مؤسسات اقتصادی را در کشور خود ملی کردند دولت ایران هم باتکاء همان اصل در نتیجه اقدامات خلاف قاعده و ظالمانه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بنا براراده و پشتیبانی قاطبه ملت ایران صنایع نفت را در سراسر کشور ملی اعلام نمود. شرکت سابق و همچنین دولت انگلستان بدون توجه باین حق مسلم دولت ایران بطرح دعوی بی اساسی در دیوان بین‌المللی دادگستری مبادرت ورزیده و دیوان مزبور در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ رأی خود را مشعر بر عدم صلاحیت در رسیدگی بموضوع اعلام و قرار مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ راجع به اقدامات تأمینیه را باطل نمود .

۲- شرکت سابق نفت علاوه بر اینکه هیچگاه بتعهدات خود عمل ننموده و دولت انگلستان را وادار کرده که برخلاف حق بطرح دعوی بی اساسی در دیوان بین‌المللی دادگستری مبادرت نماید برای جلوگیری از فروش نفت ایران در سراسر جهان نیز اقداماتی بعمل آورده که توقیف کشتی روزماری یکی از شواهد بارز آن است . شرکت سابق و دولت انگلیس از جهات متعدد بدولت ایران خسارت کلی وارد آورده است و موجبات مضیقه مالی و مشکلات اقتصادی کشور ایران را فراهم کرده اند که بعضی از آنها بقراریست که ذیلا شرح داده میشود :

الف) عدم تأدیة دیون شرکت سابق بدولت ایران بابت سالهای اخیر که بتصدیق شرکت سابق برده‌ها میلیون لیره بالغ میشود.

ب- خسارات ناشیه از تأخیر دیون مذکور .

ج- عدم تأدیة وجوه متعلق بدولت ایران که در بانك‌های انگلستان تودیع شده.

د - خسارات ناشیه از تأخیر وجوه مذکوره .

ه - مطالبات دولت ایران از شرکت سابق و همچنین خسارات دولت ایران ناشی از اعمال آن شرکت و دولت انگلیس.

و- خسارت ناشیه از جلوگیری از فروش نفت ایران که بر اثر تهدید و ارباب و اسباب‌چینی شرکت سابق و کمک آن دولت بشرکت مزبور بعمل آمده و دولت ایران را در فروش نفت خود دچار اشکالات ساخته است .

۳- باتوجه بمراتب مذکوره در فوق دولت شاهنشاهی انتظار دارد لا اقل وجوهی که تعلق آن بدولت ایران مورد تصدیق خود شرکت سابق است و تاکنون پرداخته نشده فوراً تأدیة گردد و همچنین وجوه دیگری که متعلق بدولت شاهنشاهی است و در بانك های انگلستان تودیع گردیده تحت اختیار دولت شاهنشاهی قرار گیرد و مخصوصاً برای حفظ مناسبات و روابط حسنه و رفع هرگونه سوء تفاهم بین دولت شرکت سابق نفت ازین بیعد از اقدامات ناروا در جلوگیری از فروش نفت ایران خودداری کند .

دولت شاهنشاهی باحسن نیتی که در مواد عدیده بثبوت رسانیده اینک نیز اعلام میدارد که بمنظور پیدا کردن راهحل برای رسیدگی بمطالبات و دعاوی حقه شرکت در حدود قانون ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ و همچنین مطالبات و دعاوی متقابل دولت ایران حاضر است بانمایندگان شرکت وارد مذاکره شود. و در صورتیکه از طریق مذاکرات مستقیم بین نمایندگان شرکت سابق و دولت شاهنشاهی توافقی در اینباره حاصل نگردد شرکت میتواند دعاوی خود را در محاکم صالحه ایران اقامه نماید. دولت ایران انتظار دارد این حسن نیت دولت شاهنشاهی از طرف دولت انگلستان چنانکه باید استقبال شده و بشرکت سابق توصیه کنند که نمایندگان خود را برای مذاکره در این امر بادولت ایران تعیین نماید. لزوماً متذکر میشود چنانچه در پرداخت وجوه متعلق بدولت ایران از طرف بانکهای انگلیس و شرکت سابق تأخیر و مسامحه شود و یا شرکت سابق ودولت انگلستان اقدامات نامشروع خود را بهر صورت که باشد علیه ایران ادامه دهند مسئولیت کلیه اقدامات مزبور و خسارات ناشیه از آن من جمیع الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نقت خواهد بود. <

روز هشتم شهریور ۱۳۳۱ اعلامیه زیر از طرف نخست وزیر بوسیله رادیو پخش گردید :-

« در تاریخ چهارشنبه پنجم شهریورماه جاری برابر با ۲۷ اوت ۱۹۵۲ جنابان لوی هندرسن ۱ سفیر کبیر آمریکا و ژرژ میداتن کاردار سفارت انگلستان اینجانب را ملاقات و پیام ذیل را از جانب رؤسای دولتین خود تسلیم فرمودند. اینجانب با دلائل قویسه ثابت کردم که این پیام در بین مردم حسن اثر نخواهد داشت و انتظار این بود که جواب یادداشت مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ برابر با ۷ اوت ۱۹۵۲ دولت ایران را داده باشند. آقایان جواب دادند که بنا برین موضوع مستور و نا دیده و محرمانه بماند تا یک هفته دیگر جواب یادداشت را خواهیم آورد. امروز ساعت سه و نیم بعد از ظهر متفقاً از اینجانب ملاقات و عین پیام چند روز قبل خود را تسلیم نمودند و معتقد بودند که چون از روی حسن نیت تنظیم شده است حسن اثر خواهد داشت. اینجانب نظر سابق خود را تأیید نمودم و اظهار داشتم که این دولت با این پیام بهیچوجه نمیتواند موافقت کند و در مردم سوء اثر خواهد کرد و برای آنکه تبادل نظری با نمایندگان مجلسین و پیشوایان ملی شده و از افکار عمومی نیز کسب نظری شده باشد اینک باتشعار آن اقدام مینمایم و از آقایان نمایندگان خارج از مرکز و خارج از کشور خواهش میکنم هر چه زودتر در مرکز حاضر شوند و همین که هر یک از مجلسین بحد نصاب قانونی رسید نمایندگان نظر خود را اعلام دارند تا جواب پیام مزبور طبق تصویب مقامات قانونی ملی داده شود.

۲۰ اوت ۱۹۵۲ (هفتم شهریور ۱۳۳۱)

### جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران

افتخار داریم طبق تعلیماتی که از دولتهای مربوطه خود دریافت داشته ایم پیام مشترکی را که رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر بعنوان جنابعالی فرستاده اند بدین وسیله تقدیم کنیم .

ج . ه . میدلتون

لوی . و . هندرسن

کاردار موقت علیاحضرت ملکه انگلستان

سفیر کبیر کشورهای متحده امریکا

### ترجمه متن پیام رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا

و نخست وزیر کشور متحده انگلستان

بآقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران

اینجانبان تلگرافهای واصله از سفارت های کبرای مربوطه خود را در ایران درباره مذاکرات اخیری که باجنابعالی بعمل آمده است و همچنین یادداشتی را که در در هفتم اوت ۱۹۵۲ (۱۶ مرداد ۱۳۳۱) بعنوان دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ارسال داشته بودید مورد مطالعه قرار داده ایم . بنظر اینجانبان مطلب روشن است که حل رضایت بخش مسئله نفت مستلزم اقدام فوری از طرف هر سه دولت خواهد بود .

اینک پیشنهاد اقداماتی را که دولتین ما حاضرند بعمل آورند بضمیمه ارسال میداریم و صمیمانه امیدواریم که مورد تصویب آنجناب واقع شود و منتج بحل رضایت بخش موضوع گردد .

محرك ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت بملت و مردم ایران داریم و قلباً آرزو مندیم هر چه زودتر موجبات حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم .

وینستن س . چرچیل

هری . س . ترومن

### ضمیمه

۱- موضوع غرامتی که بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در ایران باید پرداخته شود بادر نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است و باتوجه بکلیه دعاوی و دعاوی متقابله طرفین بدیوان بین المللی دادگستری ارجاع خواهد شد .

۲- نمایندگان مناسبی از طرف دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین خواهند شد که بایکدیگر مذاکره کنند و ترتیب جریان نفت را از ایران بیازار های دنیا بدهند .

- ۳- چنانچه دولت ایران بایشنهادهای مندرجه دردوبند فوق موافقت فرماید :
- الف - نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در ایران ذخیره است اقدام به تهیه وسایل لازم خواهند نمود و همینکه موافقتی درباره قیمت حاصل شود و شرائط فنی برای بارگیری اجازه دهد بابت هر مقدار نفتی که بتوان هرچه زودتر حمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهد آمد .
- ب - دولت علیاحضرت ملکه انگلستان پاره‌ای تزییقات موجوده نسبت بصادرات (کالا) را بایران و نسبت باستفاده ایران از (جوه) استرلینگ مرتفع خواهد ساخت.
- ج - دولت کشورهای متحد امریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلاعوض بدولت ایران برای کمک دررفع مشکلات بودجه‌ای آن دولت خواهد پرداخت .

### قرارداد مخصوص

دولت کشور متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی از یکطرف و دولت شاهنشاهی ایران از طرف دیگر موافقت نموده‌اند که موضوع غرامتی را که باید بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در کشور ایران پرداخت شود با رعایت وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده و با توجه بکلیه دعاوی و دعاوی متقابل طرفین بحکمیت رجوع نمایند . این قرارداد بتصویب دو کشور خواهد رسید و سند تصویب هرچه زودتر در تهران مبادله خواهد شد . پس از مبادله اسناد تصویب این قرارداد ممکن است از طرف هر یک از طرفین بدیوان دادگستری بین‌المللی اعلام گردد. در تصدیق مراتب فوق امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت های مربوطه خود اجازه و اختیار دارند ذیل قرارداد حاضر را امضاء نموده‌اند .

در این روز در دو نسخه بانگلیسی و فارسی تنظیم و متن هر دو دارای اعتبار متساوی خواهد بود . «

در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۱ نخست وزیر گزارش زیر را به مجلس شورای ملی داد :-

« لازم بعرض و اظهار نیست که پس از ملی شدن صنعت نفت دولت این جانب به پیروی از افکار عمومی کمال حسن نیت را برای حل منصفانه این مشکل بکاربرد اما متأسفانه از همان آغاز کار دولت انگلستان که بدون حق خود را درین اختلاف وارد کرده بود نگذاشت این کار بموقع و باحسن تفاهم و برطبق موازین قانونی تصفیه و تمام شود و کوشش بسیار نمود تا موضوع را بعنوان اختلاف دو دولت بشورای امنیت برده بعنوان اینکه ملی شدن صنایع نفت در ایران صلح جهانی را تهدید میکند از شورای امنیت داوری و حکمیت طلب کند در صورتیکه جریان امر کاملاً برخلاف آن بود چه دولت پیروزی از تمایلات ملی در حدود اختیاراتی که هرملت در امور داخلی خود دارد و منشور ملل متفق نیز آنرا تأیید کرده است دست باینکار زد و در این باره مجال حرف و چون و

چرا نبود وحقاً اگر میبایست بشورای امنیت شکایتی شود این شکایت از طرف دولت ایران میبایست بشود. زیرا دولت انگلستان با فرستادن قوای زمینی و هوایی و دریایی خود بسرحداث مجاور ایران مارا باشغال نظامی تهدید میکرد و تمام قدرت خود را بکار میبرد تا با تهدید و اذعاب مقاومت دلیرانه ملت ایران رادرهم شکسته و بار دیگر تسلط شرکت سابق را بر نواحی نفت خیز مستقر کند و باز سالیان دراز ملت ایران در فقر و مسکنت بسوزد و بسازد و عواید نفت خود را بکیسه سرمایه داران طمع و زر بریزد. خوشبختانه این اقدام بجائی نرسید و حقانیت ملت ایران و طمع کاری شرکت سابق و دخالت های ناروای عمال انگلیس در امور داخلی ایران همه از پرده بیرون افتاده و بسمع جهانیان رسید و موجب شد که شورای امنیت نتواند تصمیمی بر ضرر ایران اتخاذ کند و چنین اظهار نظر کند که چون موضوع در دیوان بین المللی دادگستری لاهه مطرح است تا اتخاذ تصمیم از آن دیوان موضوع در دستور بماند. در نتیجه این تصمیم شکایت دولت انگلیس در دیوان لاهه که قانوناً مرجع رسیدگی باختلاف بین دو دولت است تعقیب شد و دولت ایران در مقابل تمام تحریکات عوامل داخلی و خارجی سخت مقاومت نمود و عدم صلاحیت دیوان مزبور را اعلام داشت. برای جلوگیری از تبلیغات سوء دولت انگلستان که میکوشد تا برخلاف حق ایران را بموازین و اصول بین المللی بی اعتنا نشان دهد و باصطلاح برای ما پرونده بسازد اینجانب تصمیم گرفتم شخصاً دردادگاه حاضر شوم و دلایل خود را مبنی بر عدم صلاحیت دیوان عرضه بدارم. در این وهله نیز حق و عدالت پیرو شد و نظریه دولت ایران مورد تصویب دیوان لاهه قرار گرفت و با این رأی منصفانه مساعی دولت انگلستان در روانمود کردن عدم حقانیت مردم ایران نقش بر آب شد و دنیا ادامه مظالم یکدولت استعماری را که برای بسط نفوذ و تسلط دیرینه خود در یک کشور ضعیف بانواع حیل و دسائس توسل و تمسک میجست بیش از این نپسندید و باید عرض کنم ما این پیروزی را از همان ابتدای نهضت ملی در افکار عمومی جهان بدست آورده بودیم و دولت انگلیس بیهوده می-کوشد که حق را باطل جلوه دهد و باطل را بر کرسی حق بنشاند.

پس از صدور رأی دیوان چنین بنظر میرسد که دولت انگلستان از مظالم دیرین خود دست بکشد و دوستی ملت ایران را بر منافع مادی خود که جبران آن از طرق دیگر برای آن دولت آسان بود رجحان دهد. متأسفانه باز هم این لجاج و عناد ادامه یافت و قریب ۱۵ روز از رأی دیوان لاهه گذشت ولی آثاری که دال بر ابراز حسن نیت باشد از آن دولت مشهود نگردید تا اینکه در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۱۳۳۱ دولت اینجانب یادداشتی بوسیله سفارت کبرای انگلیس برای آندولت فرستاد. و باز دولت ایران انتظار داشت که باتوجه بوضع وخیم اقتصادی ایران دولت انگلیس از محاصره اقتصادی که برخلاف موازین بین المللی ایجاد کرده بود دست بکشد و به شرکت سابق توصیه نماید با پرداخت فوری دهها میلیون لیره مطالبات دولت ایران

برای تأمین میزان غرامت عادلانه مایملک خود با توجه بدعاوی متقابل ما با دولت وارد مذاکره شود. ولی دولت انگلیس که از سیاست دفع الوقت زیان ندیده و مردم ایران را گرفتار بحران اقتصادی ساخته بود باین امید که ادامه بحران مقدمه گشایشی در کار او بشود در ارسال پاسخ آنقدر تأخیر و تغلل رواداشت که اینجانب موضوع را بنماینده آن دولت تذکر داده و علت این تأخیر را جو یا شدم تا سرانجام روز پنجم شهر یورماه ساعت ده صبح سفیر کبیر امریکا و کاردار سفارت انگلیس بدیدن این جانب آمده متن پیامی که بامضای پرزیدان ترومن و مستر چرچیل رسیده بود تسلیم نمودند. مذاکرات طرفین پیش از سه ساعت بطول انجامید در آن جلسه با اطلاع نمایندگان دولتین رسانیدم که پیام مزبور برای ملت ایران قابل قبول نیست و تقاضا کردم که پس از مذاکره با دولتین آنرا مسترد کنند. این تقاضا را پذیرفتند و قبل از اینکه با دول متبوعه خود داخل در مذاکره شوند پیام را پس گرفتند و چنین قرار شد که مذاکرات طرفین مکتوم بماند تا بتوانند در ظرف یک هفته جواب یادداشت ۱۶ مرداد دولت ایران را بدهند. ولی قبل از انقضای مدت از اینجانب مجدداً ملاقات و اظهار نمودند که جواب یادداشت همان پیام است که بزعم آنها از روی کمال حسن نیت تنظیم شده و هیچگونه تغییری در آن میسر نیست پیام مزبور و ضمائهم آن برای استحضار آقایان نمایندگان محترم عیناً بعرض میرسد (در بالا نقل شده) چون لازم بود که علت عدم قبول را با اطلاع عموم برساند در ۲۶ شهر یورماه ۱۳۳۱ در جلسه ای مرکب از جرائد داخلی و خارجی نظر خود را بصورت اعلامیه بضمون ذیل منتشر نمود.

### «آقایان محترم»

چنانکه خاطر محترم آقایان مسبوق است پس از رای دیوان دادگستری لاهه مبنی بر عدم صلاحیت خود در رسیدگی بدعاوی غیر وارد انگلستان برای اینکه دولت ایران بار دیگر حسن نیت خود را بجهانیان ثابت کند در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ مطابق ۷ اوت ۱۹۵۲ ضمن یادداشتی که بدولت انگلستان فرستاد آمادگی خود را برای تجدید مذاکرات اعلام نمود. انتظار میرفت که پس از صدور حکم دیوان دادگستری بین المللی و رعایت پیشنهاد دولت انگلستان با احترام و تبعیت از اصول و مقررات بین المللی و رعایت تأمین صلح جهانی در روش خود نسبت بایران تجدید نظر نماید. متأسفانه پیام اخیر نشان میدهد که اولیای امور انگلستان در لفاظیه عبارات تازه عیناً و بلکه شدیدتر همان مقاصد سابق خود را دنبال میکنند و وقتی با حساسات ملل و تحولاتیکه در ایران و سایر نقاط جهان بوجود آمده نیگدازند و مطلقاً توجهی باوضاع و احوال بین المللی ندارند. علن عدم موافقت دولت اینجانب با پیام اخیر دولتین امریکا و انگلیس متعدد است اینک بذکر پاره ای از آنها میپردازم:

بدواً لازم است باین نکته توجه بفرمائید که در پیام مزبور چنین اظهار شده: «محرک ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت بملت و مردم ایران داریم و قلباً آرزو مندیم هرچه زودتر موجبات حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم.» دولت و ملت ایران با وجود صدماتی که از حکومت های مختلف انگلستان در قرن اخیر متحمل شده اند همیشه آرزوی تشیید روابط حسنه باملت انگلستان را داشته و دارند. همچنین در باب حل سریع اختلاف کنونی با شرکت سابق گمان نمیکنم محتاج باشد گفته شود که دولت اینجانب پیوسته نهایت علاقه را بتسریع حل اختلاف داشته و دارد ولی متأسفانه بامساعی زیادی که در اینراه بکاررفته چنانکه می دانید تا کنون توفیقی حاصل نشده است. اما راجع بحل منصفانه اختلاف به نظر اینجانب تمام اختلاف در همین نکته راه حل منصفانه است زیرا راه حلی که در این پیام پیشنهاد شده نه تنها بهیچوجه منصفانه نیست بلکه بمراتب از راه حلهای سابق شدیدتر و غیرعملی تر است. پیش از این که دلائل غیر منصفانه بودن پیام را بتحلیل و تجزیه اجمالی شرایط منضمه به پیام توضیح دهم از ذکر این نکته اساسی ناگزیرم که بطور کلی از پیام و شرایط منضمه بآن چنین مستفاد میشود که بدینوسیله میخواهند يك مسئله کاملاً داخلی را بصورت يك اختلاف بین دول درآورند یعنی نتیجه تمام زحمات و مبارزاتی را که دولت ایران در راه دفاع از حق حاکمیت خود متحمل شده و توفیقی را که در دیوان دادگستری بین المللی بدست آورده با تحمیل این شرایط از میان ببرند. توضیح آنکه دولت انگلیس چون با وجود تشبثات عدیده از طرفی نتوانست بقرارداد تحلیلی ۱۹۳۳ عنوان قرارداد بین دو دولت بدهد و از طرف دیگر چون محاکم ایران برطبق اصول حقوقی حاضر بقبول دعوی شرکت سابق هستند بهانه استنکاف از احقاق حق هم از دست آن دولت گرفته شده و دیگر باین عنوان نمیتواند اذهان ملل دنیا را مشوب کرده بعنوان حمایت از شرکت وارد اختلاف شود میخواهد از این راه اسباب مداخله خود را فراهم سازد و حال آنکه مداخله آندولت در روابط بین دولت ایران و شرکت سابق بهیچوجه مورد ندارد. زیرا دولت ایران همانطور که مکرر اظهار داشته و در یادداشت ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ هم مجدداً تذکر داده پیوسته حاضر است بدعاوی شرکت سابق خواه بوسیله مذاکرات مستقیم و خواه بوسیله محاکم صالحه رسیدگی نموده با رعایت حقوق طرفین رفع اختلاف کند.

پس از این مقدمه کلی بتحلیل و تجزیه اجمالی شرایط منضمه بیام می پردازم:

مادوه اول - در ماده اول علاوه بر نکته اساسی مذکوره در فوق یعنی سعی در تبدیل اختلاف داخلی باختلاف بین دول که بهیچوجه قابل قبول نیست موضوعات دیگری را بمیان آورده اند. از جمله یکی موضوع ارجاع تشخیص و تعیین «غرامت» است بدیوان دادگستری



بین المللی. بر آقایان محترم پوشیده نیست که پس از قرار عدم صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی دیگر در سراسر جهان مرجع قضائی که صالح برای رسیدگی باختلاف دولت ایران و شرکت سابق نفت باشد جز محاکم ایران وجود ندارد. حال اگر شرکت نفت بر طبق اصول کلی آئین دادرسی بخواهد بمحکمه صالحه یعنی محاکم ایران رجوع کند البته میتواند هر نوع ادعائی را تحت عنوان غرامت در عرض حال خود بگنجاند. زیرا هر مدعی وقتی بمحکمه ای که بالاصاله واجد شرایط رسیدگی است رجوع کند محقق دارد موضوع دعوی خود را هر قدر بخواهد توسعه دهد ولی همین مدعی اگر خواست بمحکمه دیگر یعنی بمحکمه ای که بخودی خود واجد صلاحیت نیست مراجعه کند موافقت مدعی علیه هم لازم می آید و اولین شرط توافق اینست که طرفین در ماهیت و حدود اختلاف فیما بین باهم کنار بیایند یعنی معلوم کنند چه مطالبی را میخواهند بمحکمه مورد توافق رجوع کنند. بعبارت واضح تر شرکت سابق و دولت ایران باید معلوم نمایند که چه موضوعاتی را میخواهند در دعوی خود مورد رسیدگی قرار دهند. من باب مثل بعضی از دعاوی متقابله ایران را که باید مورد رسیدگی قرار گیرد از این قبیل است:

الف - تأدیبه دیون شرکت سابق بدولت ایران بابت سالهای اخیر و خسارت تأخیر تأدیبه آن .

ب - خسارات ناشیه از جلوگیری از فروش نفت ایران که بر اثر تهدید و ارعاب و اسباب چینی شرکت سابق و کمک دولت انگلیس بشرکت مزبور بعمل آمده و دولت ایران را در فروش نفت خود دچار اشکالات ساخته است .

ج - حقوق گمرکی و انحصاری دولت ایران که در عهده شرکت سابق است .

د - مالیات مواد نفتی مصرفی نیروی متفقین در ایران .

شرکت سابق هم باید بهمین نحو معلوم و معین نماید که چه دعوائی را میخواهد بعنوان غرامت مورد رسیدگی قرار دهد . پس از توافق در این امر البته ممکن است موضوع اختلاف را بمحکمه مورد توافق ارجاع نمود و بعکس تا در موضوع دعوی غرامت موافقت حاصل نشود توافق در ارجاع امر بمحکمه ای سواى محکمه ایران میسر نیست. مطلب دیگر این ماده راجع است بعبارت « وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است . »

خاطر آقایان مستحضر است که ملت ایران قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ را باطل و کان لم یکن میدانند و حتی باید بگویم که بدون شك محرك اساسی مبارزات ملت ایران تحمیل ظالمانه همین قرارداد و آثار مترتبه بر آن بوده است بنا بر این واضح است که بهیچوجه من الوجوه ملت ایران حاضر نیست که به آن قرارداد کمترین ترتیب اثری بدهد و حال آنکه باقید عبارت « وضع حقوقی طرفین » میخواهند آن قرارداد منحوس را زنده کنند . گمان میکنم فعلاً بیش از این لازم نیست در باب

ماده اول صحبت شود .

ماده دوم - اگر منظور از آن ماده ترتیب قرارداد خرید نفت باشد دولت ایران حاضر بودن خود را برای فروش نفت بتمام خریداران مکرزاعلام داشته است و خریداران میتوانند نفت را پس از موافقت در قیمت هر قدر که بخواهند خریداری کنند ولی اگر منظور دیگری در میان باشد مثلاً بخواهند بدینوسیله در امور اداری و فنی نفت مداخله کنند واضح است که این امر قابل قبول نیست .

ماده سوم - غیر منصفانه و حتی موهن بودن پیام در ماده سوم بیش از همه جا هویدا است، زیرا مفاد ماده سوم این است که دولت انگلیس همه قسم فشار غیر قانونی بدولت و ملت ایران وارد آورده و هر مضیقه ای که ممکن بود برای ما فراهم کرده است ولی اینک میگوید اگر بشرایط پیشنهادی من عمل کنید از این بیعد از سخت گیری و فشار خود میکاهم . خوب توجه فرمائید که صرف این پیشنهاد قطع نظر از موضوعات آن چقدر منصفانه و دوستانه است ! اما موضوعات این ماده در سه بند بیان شده : موضوع بند الف اینست که دولت انگلیس میگوید شرایط ناروائی را که در این پیام ذکر شده بپذیرید تا مشتری، یعنی شرکت سابق ، نفت موجود شمارا خریداری کند . آیا بزعم آقایان نفت موجود را خریدن و قیمت آنرا پرداختن معامله است یا چنان مساعدت و کمک بی مانند است که در ازاء آن دولت ایران باید تن بقبول چنین شرایط سنگین بدهد ؟ آیا انصافاً معامله نفت هیچ ارتباط و ملازمه ای با تحمیل این شرایط دارد ؟ حال بفرض محال دولت ایران این شرایط را هم پذیرفت آیا تصور میفرمائید پس از قبول آن شرایط نفت موجود ایران بقیمت عادلانه بفروش خواهد رسید؟ متأسفانه باید عرض کنم خیر زیرا بر فرض هم که دولت ایران این شرایط را قبول کرد چون شرط اساسی معامله یعنی تعیین قیمت نفت بر طبق همین بند الف بیعد موقوف شده خریدار باز مجال خواهد داشت که قیمت خود را بفروشنده تحمیل کند چه پس از قبول شرایط دولت ایران یا باید قیمتی را هم که شرکت سابق می گوید بپذیرد و یا با وجود اینکه سایر شرایط را پذیرفته از فروش نفت صرف نظر کند یعنی در هر دو حال بادست خود اسباب ضرر و زیان خود را فراهم سازد. موضوع بند (ب) ماده سوم اینست که دولت انگلیس پس از تحمیل تمام این شرایط فقط پاره از تزییقاتی را که تا کنون روا میداشته بر طرف مینماید و در رفع تزییقات دیگر منجمله عدم پرداخت وجوه نقد متعلق بایران که صریحاً در ترازنامه های شرکت سابق مذکور است و سایر مطالبات دولت ایران که در یادداشت ۱۶ مرداد دولت ایران اجمالاً ذکر شده سخنی در میان نیست .

پیش از ختم کلام از این نکته نمیتوانم صرف نظر کنم که از سر پای این پیام اینطور

استنباط میشود که برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجه تضيقات آندولت اکنون دولت و ملت ایران بآن درجه از استیصال رسیده اند که بقبول هر قسم شرایطی حاضر شده و بمعامله اضطراری گردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران بهیچ قیمتی حاضر بقبول شرایط ناروا که باستقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای نخواسته بحیثیت و شرافت ملت ایران لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد . این بود مجملاً عللی که دولت ایران را از موافقت با یادداشت مشترك دولتين ممنوع نمود البته دولت پس از کسب نظر مجلسین جواب یادداشت را خواهد داد .

باینکه یقین داشتیم پیام دولتين مورد تأیید ملت و مجلسین نیست نخواستم بدون مشورت مجلسین جوابی به آن داده باشم و باین جهت از نمایندگان محترم تقاضا شد که با تشکیل جلسات فوق العاده و شور و مذاکره در پیام تکلیف دولت را صریحاً تعیین فرمایند . اما نظریات دولت نسبت به پیام :

چنانکه بعرض رسید پیام مزبور مانند پیشنهادهای سابق با قوانین ملی شدن صنعت نفت سازگار نیست و دولت انگلستان که خوب از این نکته آگاهست از ارسال این پیام نظری جز تأخیر و طفره ندارد . البته آنچه در ابتدای پیام نسبت با ایجاد روابط دوستانه برای حل سریع اختلافات دو کشور ذکر شده مطابق آمال و آرزوی ملت ایران است چه ملت ایران با وجود خسارات فراوان و صدمات بی پایانی که در قرن اخیر از سیاست استعماری انگلیس متحمل شده همواره در تشییع روابط حسنه با ملت انگلیس کوشا بوده و هست . ولی لازم است بعرض برسانم که دولت اینجانب از آغاز کار چنانکه مدارک و اسناد و شواهد حاکی است هیچگونه غفلی در این قسمت روا نداشته و همه وقت در حدود موازین قانونی برای تصفیه و حل این موضوع حاضر بمذاکره بوده است و اینکه تاکنون کار بجائی نرسیده چنانکه همه میدانند بآن علت است که دولت انگلیس می خواهد برخلاف قوانین مصوبه و برخلاف حقوق و تمایلات ملت ایران نفوذ و منافع شرکت سابق را تحت عنوان دیگری بهمان صورت و کیفیت قدیم حفظ کند و این کار برای ملت ایران قابل تحمل نبوده است . نکته مهم دیگری که در این پیام جالب توجه است کلمه «منصفانه» است که در پیام گنجانده شده و سپس دردنبال همین کلمه راه حلی پیشنهاد کرده اند که نه تنها منصفانه نیست بلکه بمراتب از راه حلها و پیشنهادهای سابق غیر منصفانه تر است . در پیام اخیر دولت انگلیس خواسته باین اقدام ماهرانه سیاسی موضوع نفت را که امر داخلی است و دیوان لاهه نیز بارای خود آنرا تأیید کرده است با امضای مقاوله نامه ای بصورت اختلاف بین دو دولت در آورد . در ماده اول ضمیمه پیام سخن از غرامتی است که در مقابل ملی شدن صنعت نفت باید بشرکت سابق پرداخته شود و این ماده چنان تنظیم شده که در موقع لزوم میتواند

بوسیله آن قرارداد باطل ۱۹۳۳ را که هیچگاه مورد قبول ملت ایران نبوده است قانونی کنند و از آن استفاده نمایند و بهمین جهت هم سخن از «دعاوی طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن صنعت نفت» بیان آورده اند در صورتی که اگر مقصود تأدیه غرامت مایملک شرکت سابق در ایران است دولت اینجانب همواره حاضر بوده است با رعایت دعاوی طرفین وارد مذاکره شود و راه حل عادلانه و منصفانه ای پیدا کند و اگر مقصود آن بوده که در صورت عدم توافق موضوع بدیوان بین المللی دادگستری واگذار شود آن هم باید بین دولت ایران و شرکت سابق نفت در ارجاع امر بآن دیوان توافق شود و احتیاجی بقرارداد بین دو دولت نیست. و همچنین در ماده دوم ضمیمه اگر مقصود خریداری نفت است که دولت ایران همواره حاضر بفروش بوده و آن را بدینا اعلام کرده است و چنانچه مقصود واگذاری حق انحصار خرید بیک شرکت معین و دخالت مجدد در اداره امور نفت است این امر هرگز مورد تصویب ملت ایران نخواهد بود زیرا در دنباله این انحصار و دخالت ممکن است ایجاد بحرانهای اقتصادی و کارشکنی هایی باشد که وضع را بهمان صورت قبل از ملی شدن صنعت نفت بکشاند. اما در خصوص ماده سوم در این ماده صریحاً اعتراف کرده اند که منظور دولت انگلستان از اقدامات گذشته فشار اقتصادی بملت ایران بوده تا به شرایط غیر منصفانه آن دولت تن دردهد زیرا در بند الف از این ماده مینویسد:

اگر سایر شرایط پذیرفته شد حاضرند نفت موجود در آبادان را حمل کنند ولی در باب قیمت هیچ سخنی نگفته و آنرا موکول بموافقت بعدی نموده اند در صورتیکه اگر مقصود مساعدت و کمک بود میبایست نظر صریح خود را در باره قیمت هم اظهار کنند تا دولت ایران بتواند تصمیم قطعی اتخاذ کند.

در بند ب از همین ماده موضوعی که مکرر مورد اعتراض دولت ایران بوده یعنی ترضیقات موجوده نسبت بصادرات (کالا) و نسبت باستفاده ایران از وجوه (استرلینگ) عنوان شده و تصریحاً وجود چنین ترضیقاتی را که تاکنون بعمل آورده اند اقرار نموده و قول داده اند در صورت پذیرفته شدن سایر شرایط این ترضیقات را مرتفع کنند و حال آنکه اولاً رفع ترضیقات غیر قانونی را موکول بقبول شرایطی نمودن دوستانه و منصفانه نیست و ثانیاً ترضیقات دولت انگلیس نسبت بدولت و ملت ایران هم چنانکه آقایان میدانند منحصر باین دو موضوع نمیباشد. با توضیحاتیکه عرض شد ملاحظه میفرمایند که پیام اخیر هیچ راهی برای قبول ندارد و دولت اینجانب حاضر نیست که بیش از این در مقابل فشار اقتصادی و کارشکنی هایی که میشود سکوت کند. دولت انگلیس خود بهتر میدانند که بعد از رأی دیوان لاهه هیچ گونه راهی برای آن دولت جز احترام بحق حاکمیت ملی ایران وجود ندارد و اگر دولت انگلیس دولتی عدالت خواه و پای بند با اصول و مقررات بین المللی است باید بدون درنگ از تعدی و فشار نسبت بیک ملت محروم رنج دیده دست بردارد و بگذارد که در این جهان پر آشوب ملت ایران برای نجات و احیاء اقتصادیات خود از منابع طبیعی و خداداده خویش بهر طریق که میخواهد استفاده کند. چه دلیل دارد که مردم تنگدست

و تهی کیسه ایران رنج بکشند و باز هم ثمره کوشش و مجاهدات خود را سرمایه دارانی که قرنهاست عادت بشارت و چپاول ملل ضعیف دارند تسلیم کنند. رعایت احترام بموازین قانونی و حقوق ملل ضعیف نه تنها از قدر و منزلت دول بزرگ نمی کاهد بلکه بر مرتبه و مقام آنها خواهد افزود. اینجانب بار دیگر بصراحت اعلام میکنم اولاً - دولت اینجانب بی نهایت مشتاق است که اختلافات موجوده هرچه زودتر مرتفع شود تا هر دو ملت در سایه حسن تفاهم بتوانند از نتایج همکاری و مساعدت با یکدیگر برخوردار گردند و در این راه آرزو مندم که هرچه زودتر غبار این کدورتها زدوده شود و با صرف نظر کردن از گذشته هر دو ملت سهم خود را در حفظ صلح جهانی به بهترین وجه ادا کنند.

ثانیاً - محاکم ایران که بعد از رأی دیوان لاهه یگانه مرجع رسیدگی دعاوی شرکت سابق می باشد برای رسیدگی به شکایت شرکت سابق و احقاق حق آماده و مهیاست.

ثالثاً - در صورتیکه شرکت مزبور نخواهد دعاوی خود را بمرجع قانونی ارجاع کند دولت اینجانب حاضر است پس از حصول توافق در مسائل ذیل قضاوت دیوان لاهه را قبول نماید.

۱) تعیین میزان و تقسیط پرداخت غرامت اموالی که شرکت سابق در موقع ملی شدن صنعت نفت در ایران داشته بر اساس هر قانونی که در یکی از ممالک برای ملی شدن صنایع بکار رفته و شرکت سابق آنرا قبول کند. این تنها غرامتی است که دولت ایران بشرکت سابق خواهد پرداخت و غیر از این شرکت ادعای هیچگونه غرامت دیگری نخواهد داشت.

۲) رسیدگی بدعاوی و حل اختلافات طرفین از ۱۹۳۳ تا آخر ۱۹۴۷ بر اساس قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ و از اول ۱۹۴۸ تا سی ام آوریل ۱۹۵۱ مطابق نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (تاریخ تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت) بر اساس قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی گس - گلشائیان که شرکت سابق آنرا قبول و امضاء کرده و دولت و مجلس ایران آنرا برای استیفای حقوق ملت ایران کافی ندانسته اند. استناد بقرارداد های ۱۹۳۳ و گس گلشائیان فقط از نظر حل اختلافات طرفین آن هم در ظرف مدت های تعیین شده در بالا میباشد و از تاریخ تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت هیچکدام از آن قراردادها نمیتواند بنحوی از انحاء مورد استفاده و استناد هیچیک از طرفین واقع شود و بدشرکت هم پس از آن تاریخ پدمانی است.

۳- رسیدگی و تعیین میزان خسارت دولت ایران ناشی از مشکلات و موانعی که دولت انگلیس و شرکت سابق در راه فروش نفت ایران ایجاد کرده اند و همچنین خسارات ناشی از تضییقات نسبت بصادرات کالا و استفاده از جوه استرلینگ که دولت انگلیس در بند ماده ۳ ضمیمه پیام آنرا تصدیق کرده است.

۴- تأدیة قبلی و علی الحساب ۴۹ میلیون لیره می که شرکت سابق ضمن بیان ۱۹۵۰

بابت افزایش حق الامتیاز و مالیات و حق السهم ایران از ذخائر به حساب آورده است. ازین مبلغ هر مقداری که مربوط بحق الامتیاز و مالیات است چون بر اساس طلا تضمین شده است بایستی بصورت قابل تبدیل بدلازلر پرداخت گردد. گرچه مبلغ بالا از قروض مسلم شرکت بدولت ایران میباشد ولی از نظر ابراز نهایت حسن نیت دولت ایران قبول میکند که اگر دیوان بین المللی دادگستری تمام یا قسمتی از آن وجوه را حق ایران ندانست آن مبلغ بصورتیکه دریافت شده دین دولت ایران بشرکت سابق تلقی گردد. با این پیشنهاد صریح و با حسن نیت طرفین امیدوارم هرچه زودتر موضوع نفت خاتمه داده شود و چنانچه سیاست انگلیس بخواهد بیش از این با امرار وقت و ارسال یادداشت - های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد و مانع فروش نفت بشود مورد تردید نخواهد بود که سیاست آندولت نسبت بایران دوستانه نیست و حال آنکه غرض از ادامه مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین و ایجاد روابط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامه مناسبات سیاسی برای طرفین حاصلی نخواهد داشت لذا دولت ایران بخود حق میدهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی هر چند منجر بقطع روابط سیاسی بشود فروگذار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیش آمدی البته بعهده دولت انگلیس خواهد بود. اکنون اگر مجلس شورای ملی رویه دولت را نسبت بموضوع نفت تأیید میکند درخواست میشود که این رویه بوسیله دادن رأی اعتماد بدولت تأیید و تصویب گردد. »

گزارش فوق در تاریخ ۲۶ شهریور در مجلس سنا قرائت و باتفاق رأی اعتماد بدولت داده شد و مجلس شورای ملی هم روز بعد بدولت رأی اعتماد داده و دولت را در باره رد کردن پیشنهاد مشترک امریکا و انگلیس تأیید نمود.

در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۳۱ نخست وزیر جوابی به پیام چرچیل فرستاد و رونوشت آنرا هم برای رئیس جمهور امریکا ارسال داشت. مطالبی که درین پاسخ ذکر شده بود تقریباً همان است که در گزارش بمجلسین داده بود و در خاتمه متذکر شده بود که پس از توافق در موضوع غرامت و اساس رسیدگی بدعاوی و تعیین خسارات و پرداخت ۴۹ میلیون لیره علی الحساب بطرزیکه در قسمت آخر گزارش نخست وزیر بمجلسین ذکر شده دولت ایران حاضر خواهد بود قضاوت دیوان لاهه را در باره غرامت قبول کند و درین صورت از دیوان مزبور تقاضا خواهد شد که هرچه زودتر و حتی الامکان در ظرف شش ماه رأی نهائی خود را صادر نماید.

در همین ایام مستر آلتون بنونز رئیس شرکت سیتی سرورس ۴ بنا بدعوت دکتر مصدق بتهران آمد و بازدید هم از مناطق نفت خیز و آبادان نمود. موقع عزیمت از ایران در مصاحبه ای که باخبرنگاران کرد اظهار داشت که او و همراهان مطالعه و بررسی وسیع

Mr. Alton Jones (۱)

Cities Services Oil Company (۴) یکی از شرکتهای بزرگ نفت امریکا است که جزو کارتل بزرگ

نفت نیست و امتیازی هم درین قسمت از شبه جزیره عربستان دارائی باشد.

و بسطی درباره جنبه‌های اقتصادی و طبیعی مسئله نفت بعمل آورده و عملیاتی را که برای تجدید فعالیت صنعت نفت ایران ضروری است مورد توجه و بررسی قرار داده و یک گزارش مقدماتی هم درین باره بنحست وزیر تقدیم کرده است.

در مصاحبه‌ای که آلتون جونز با خبرنگاران جراید در پاریس داشت و هتن آن در روزنامه تایمز لندن مورخه سوم مهر ۱۳۳۱ چاپ شده گفته بود که اکنون موقع مناسبی است که توافقی بین ایران و انگلیس درباره حل قضیه نفت روی دهد و علاوه کرده بود که اگر چنین توافقی بزودی حاصل نشود بصره پاره‌ای از شرکت های نفت امریکا خواهد بود که از ایران نفت خریده و با امریکا صادر نمایند. برخی از جراید انگلیس اظهار داشتند که رد پیشنهاد مشترک ترومن و چرچیل تا حدی مربوط باندرز هائی بوده که آلتون جونز به دکتر مصدق داده و اورا نسبت بصدور نفت ایران در آینده امیدوار کرده است.

در تاریخ ۱۳ مهر ایدن وزیر خارجه انگلستان پیامی بشرح زیر برای دکتر مصدق ارسال داشت :-

«مستر چرچیل و اینجناب و همکاران مادر دولت علیا حضرت ملکه انگلستان از اینکه طبق پیام واصله از آنجناب پیشنهادات اخیر ما برای حل قضیه نفت از چندین جهت مورد سوء تفاهم واقع شده است متأسفیم. بیم و نگرانی که آنجناب درین مورد ابراز فرموده اند بی اساس است. پیشنهادات ارسالی بهیچوجه حاکی از عدم شناسائی عمل دولت ایران و ملی کردن صنایع نفت خود نبوده و منظور آن احیای امتیاز ۱۹۳۳ نمی باشد. در پیشنهادات مزبور اشاره باینکه صنایع نفت ایران بدست اتباع خارجی اداره شود نبوده چه رسد باینکه این موضوع یکی از شرایط قرارداد شود و از طرفی نیز در نظر نداشته‌ایم که خرید نفت در انحصار ما باشد. پیشنهادات مزبور برای تصفیه دعاوی و دعاوی متقابله طرفین بوسیله قضاوت بیطرفانه حاوی یک طریقه عادلانه بوده و حال آنکه نمیگوئیم طریقه مزبور یک طریقه منحصر بفرق بوده. اگر در خصوص قیمت نفت ذکری نکردیم بعلت آن بود که این موضوعی است که باید بین فروشنده و خریدار مورد بحث قرار گیرد نه بین دو دولت. منظور اینجناب از ارسال این پیام آن است که اعم از اینکه پیشنهادات فوق الذکر را آنجناب بپذیرند یا نپذیرند جنابعالی و هموطنان آن جناب از مقصود ما عیناً مستحضر بوده باشید.»

و در همان تاریخ وزیر خارجه امریکا هم پیام زیر را برای دکتر مصدق ارسال

داشت :-

« از روزیکه پیام جنابعالی بتاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۲ ( دوم مهر ماه ۱۳۳۱ ) باقای رئیس جمهور امریکا رسیده است با ایشان در تماس بوده‌ام و چون ایشان درین هنگام در پایتخت نیستند بدوستدار اجازه داده‌اند وصول نامه جنابعالی را اشعار دارم. اینکه جنابعالی پیشنهاد هائی را که در تاریخ ۳۰ ماه اوت ( ۸ شهریور ماه ) فرستاده شد قابل قبول ندانسته‌اید مایه یأس ایشان است. ما چنین استنباط کرده بودیم که روش

دولت ایران این بوده است که مذاکرات مربوط با اختلاف نفت باید بادر نظر گرفتن این نکات باشد: (الف) واقعیت ملی شدن یعنی ملی شدن نفت امر واقع شده یا انجام شده ای است (ب) استقلال کامل ایران برای اداره صناعت نفت خود و (ج) آزادی ایران برای فروش نفت خود بر مبنای غیر انحصاری. عقیده حقیقی ما چنین بوده و هست. پیشنهادهایی که در تاریخ ۳۰ اوت فرستاده شد حاوی این نکات بوده است. این پیشنهادها واقعیت ملی شدن را بطور وضوح شناخته و در صدد احیاء امتیاز ۱۹۳۳ یا هر امتیاز دیگری هم نبوده است. موضوع اداره کردن صناعت نفت بدست خارجیها شرط نشده و حتی پیشنهاد هم نشده بود و بیچوجه چنین قصدی هم نبوده است که پیشنهاد انحصار خرید نفت داده شود. درباره ادعای غرامت از طرف شرکت و دعاوی متقابل ایران ما طریقه ای برای تسویه کل دعاوی پیشنهاد کردیم که بوسیله بیطرفانه ای احقاق حق طرفین بشود. بدون شبهه طرق منصفانه دیگری نیز وجود دارد. درباره موضوع قیمتی که باید برای نفت ایران پرداخته شود ما پیشنهاد کردیم که این امر باید بین خریدار و فروشنده حل شود نه بین دولتها. قطع نظر از قابل قبول بودن پیشنهادهای سی ام اوت مایه تأسف ما است که در معنای آن سوء تفاهم شده است. بعلت اهمیت واقعی این امر که سخنان ما را آنطور که مقصود ما بوده است جنابعالی نیز توجه فرمائید سعی کرده ایم این سوء تفاهم را هم تصحیح کنیم.

در تاریخ ۱۵ مهرماه نخست وزیر نامه زیر را برای ایدن وزیر خارجه انگلستان ارسال داشت:

« پیام مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۲ جنابعالی مبنی بر شناسائی کامل عمل دولت ایران در ملی کردن صنعت نفت و اعلام عدم قصد احیاء امتیازنامه باطل ۱۹۳۳ و همچنین عدم مداخله در نحوه اداره صنعت نفت ایران و شناسائی آزادی دولت ایران در فروش محصولات نفتی خود بوسیله کاردار سفارت کبرای انگلستان در تهران واصل گردید. با در نظر گرفتن اینکه مفاد پیام مزبور در قسمت های فوق الذکر منطبق با حقوق مسلم ملت ایران میباشد نسبت به مراتب بالا اتخاذ سند می نماید و ضمناً متأسف است در این پیام که در پاسخ پیام مورخ دوم مهرماه ۱۳۳۱ ( بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۵۲ ) اینجانب رسیده است اشاره ای به پیشنهاد های متقابل مورخ دوم مهر ماه ۱۳۳۱ ( بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۵۲ ) نفرموده اید، اینجانب لازم میدانم بار دیگر به استحضار برسانم که مقصود از پیشنهاد متقابل جلوگیری از اتلاف وقت و ارائه طریق منصفانه برای رسیدگی بدعاوی شرکت سابق نفت و دعاوی متقابل دولت ایران بوده است. و اکنون نیز بهمین منظور بار دیگر آمادگی خود را برای مذاکره و تسویه این موضوع اعلام می دارد و برای آنکه هر چه زودتر تکلیف قطعی اختلاف فوق الذکر روشن شود بدینوسیله از نمایندگان تام الاختیار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس جهت مذاکرات لازم در حدود پیشنهاد متقابل دولت ایران دعوت مینمایم که از این



تاریخ تا یک هفته به تهران عزیمت نمایند و با در نظر گرفتن تأخیر پرداخت چندین ساله دیون شرکت سابق بدولت ایران و همچنین از نظر احتیاجی که دولت ایران بکار گشائی فوری دارد قبل از اعزام نمایندگان خود، شرکت سابق نفت مبلغ بیست میلیون لیره قابل تبدیل به دلار از چهل و نه میلیون لیره موضوع ماده (۴) پیشنهاد متقابل مورخ دوم مهرماه ۱۳۳۱ (۲۴ سپتامبر ۱۹۵۲) اینجانب را باختیار وزارت دارائی ایران بگذارد و باقیمانده مبلغ مزبور را در پایان مذاکرات که مدت آن حداکثر سه هفته پیش بینی میشود بحساب دولت ایران بگذارند.

در خاتمه انتظار دارد کمال حسن نیت دولت ایران را در حل منصفانه اختلافات که اینک بوسیله این پیام بار دیگر تأیید میشود مورد حسن تلقی و استفاده قرار گیرد و مخصوصاً توجه آن جناب را باین نکته جلب مینماید که دولت ایران همواره عواقب سوء ناشی از ماطله و تأخیر در حل سریع و قطعی اختلاف را متذکر گردیده است و اکنون هم عدم امکان ادامه این وضع را مجدداً یادآوری و مسئولیت هر گونه پیش آمدی را که در نتیجه تعقیب این روش بوجود آید متوجه خود میدانند.

و بهمان تاریخ نامه ای هم نخست وزیر برای وزیر خارجه امریکا بشرح زیر فرستاد :-  
« جواب پیام متقابل این جانب را که از طرف رئیس جمهور کشورهای متحد امریکا بوسیله جناب آقای سفیر کبیر آندولت در تهران ارسال فرموده بودید واصل گردید . توضیحاتیکه برای رفع ابهام پیام مشترک مورخ هشتم شهریور ۱۳۳۱ (۳۰ اوت ۱۹۵۲) داده شد مورد توجه و تشکر این جانب قرار گرفت، از اینکه مساعی اولیای محترم دولت متبوع جنابعالی در جهت حل موضوع اختلافات جاری بکار افتاده است کمال امتنان را دارم. اما در قسمتی که نوشته شده : « ... اینکه جنابعالی پیشنهاداتی را که در تاریخ سی ام ماه اوت (هشتم شهریور ماه) فرستاده شده قابل قبول ندانسته اید مایه یأس ایشان است » گمان میکنم در پیشنهادات متقابل اینجانب مورخ (۲۴ سپتامبر ۱۹۵۲) بجد کافی علل عدم قبول پیام مشترک توضیح شده باشد . ممکن است حضرت رئیس جمهور بخاطر نداشته باشند که اکنون نوزده ماه از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ایران میگذرد و حال آنکه کار مفیدی برای حل اختلاف صورت نگرفته و موضوع تعیین غرامت تمام بکاتبه و مسامحه بر گذار شده است . دولت و ملت ایران هر روز با مشکلات اجتماعی و اقتصادی تازه ای نیز که ناشی از محاصره اقتصادی دولت علیاحضرت ملکه انگلستان میباشد مواجه میباشند. کمال حسن نیت و حداکثر گذشتی را که ممکن بوده است در راه حل این قضیه بکار رود در پیشنهادات متقابل اینجانب بعمل آمده است و برای اینکه یکبار دیگر این حسن نیت و علاقمندی بانجام کار کاملاً مشهود گردد در جواب پیام جناب آقای آیدن وزیر امور خارجه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان که یک نسخه آن به پیوست از نظر جنابعالی میگذرد پیشنهاد کرده ام که نمایندگان تام الاختیار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را برای مذاکره در باره مواد پیشنهاد متقابل اینجانب مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۲ به تهران اعزام دارند و از نظر اینکه کار گشائی در کار اقتصادی و مالی ایران شده باشد و نشانه ای نیز از انجام تمهیدات گذشته شرکت سابق بظهور رسیده به پیشنهاد مزبور اضافه شده

است که قبل از عزیمت نمایندگان تام‌الاختیار شرکت که از این تاریخ تا یک هفته دیگر خواهد بود بیست میلیون لیره قابل تبدیل بدلار از (۴۹) میلیون لیره علی الحساب مطالبات ایران را در اختیار وزارت دارائی دولت شاهنشاهی بگذارند و ترتیب پرداخت بقیه آنرا نیز در پایان مذاکرات که پیش‌بینی میشود تا سه هفته بطول انجامد بدهند . محتاج بتوضیح نیست که در این یکسال و نیم اخیر دولت و ملت ایران بر اثر مداخله و مبادله یادداشتها و مکاتبات خسارات هنگفت متحمل شده‌اند بطوریکه هر عاقبت و خیم و جریان سوئی که در نتیجه ادامه این رویه پیش‌آید مسئولیت آنرا هیچ فرد منصف و بی‌غرضی متوجه دولت و ملت ایران نخواهد دانست . نظر دقیق شخص جنابعالی را بمفهوم‌جدی و اساسی جمله اخیر و اوضاع موجود جلب نموده و اطمینان دارم که تصدیق میفرمائید حل سریع و فوری این کار کمک بزرگ و مهمی بتأمین صلح و امنیت عمومی یکی از مناطق حساس جهان خواهد بود ؛ از آنجناب خواهشمندم احترامات فائمه دوستدار را بحضرت رئیس جمهوری ابلاغ و تشکرات صمیمانه مرا برای مساعی که در جستجوی راه اختلافات موجود بکار برده و میبرند قبول فرمایند .

در تاریخ ۲۲ مهرماه وزیر خارجه انگلیس نامه دیگری برای نخست وزیر ارسال داشت که در قسمت آخر آن شرایط چهارگانه دولت ایران را رد کرده بود و در آخر نامه چنین نوشته بود : -

« بطوریکه فوقاً اشعار گردید دولت ایران ضمن جمله اول یادداشت خود پیشنهادات مشترک را بخعوی تشریح نموده‌اند که میرساند هنوز سوء تفاهاتی موجود است بنابراین دولت علیاحضرت ملکه انگلستان مایل است موضوع را کاملاً روشن سازد :

(۱) دولت علیاحضرت ملکه انگلستان و شرکت نفت انگلیس و ایران ملی شدن صنایع نفت ایران را بمنزله یک امر واقع شده میپذیرند لکن در عوض دولت علیاحضرت ملکه انگلستان از طرف شرکت مزبور ادعای پرداخت غرامت عادلانه را دارد .

(۲) دولت علیاحضرت ملکه انگلستان عقیده دارد که موضوع غرامت باید بقضاوت بیطرفانه دیوان دادگستری بین‌المللی واگذار شود .

(۳) دولت علیاحضرت ملکه انگلستان از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران از بابت لغویکطرفه قرارداد امتیازی ۱۹۳۳ که برخلاف تعهد صریحی است که در آن بعمل آمده مبنی بر اینکه قرارداد مزبور لغو نخواهد شد ادعای پرداخت غرامت مینماید .

(۴) نه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان و نه شرکت نفت انگلیس و ایران هیچ‌کدام درصدد احیای قرارداد امتیازی ۱۹۳۳ از جهات دیگر نمیباشند .

(۵) بمحض اینکه نسبت بشرایطی که بموجب آن موضوع غرامت مورد داوری قرار گیرد توافق حاصل شود، شرکت نفت انگلیس ایران حاضر خواهد بود بطوریکه در پیشنهادات مشترک قید شده است مذاکرات را آغاز نماید . بطوریکه قبلاً اشعار گردیده نه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان و نه شرکت نفت انگلیس و ایران هیچیک اصرار ندارند که حق انحصار نفت ایران را بدست آورند .

(۶) تاهنگام موافقت در شرایطی که طبق آن موضوع غرامت باید بقضاوت واگذار شود دولت علیاحضرت ملکه انگلستان حقوق قانونی کامل خود و شرکت نفت انگلیس و ایران را محفوظ میدارد.

پس از مبادله پیامها و نامه هائی که در فوق ذکر شد جراید انگلیس و امریکا بتبلیغات شدیدی بر علیه ایران پرداخته و اظهار داشتند که دولت انگلیس از تمام تقاضا های سابق خود صرف نظر کرده و گذشتههای بسیاری نموده و فقط میگوید بابت ضبط اموال شرکت نفت غرامت بپردازد و هر کاری هم که میخواهید بانفت خود بکنید لکن دکتر مصدق این پیشنهاد را هم قبول نکرده است. تحت این عنوان تبلیغات وسیعی در جراید خارجی کردند تا افکار عمومی جهان را بر علیه ایران تجهیز نمایند و باید گفت که توفیق بسیاری هم یافتند زیرا در آن موقع غالب جراید امریکا گذشتههای انگلستان را بزرگ جلوه داده و می گفتند که دولت ایران حاضر نیست قدم مثبتی برای حل قضیه نفت بردارد.

وزارت خارجه انگلستان هم برای توجیه اظهارات خود وجلب افکار عمومی بیانیهای در تاریخ ۲۳ مهرماه انتشار داد که بشرح زیر بود :-

« در یادداشتی که در تاریخ ۲۲ مهرماه از طرف دولت علیاحضرت ملکه انگلستان تسلیم دولت ایران شده است دولت علیاحضرت ملکه انگلستان سعی نموده است مفاد و مفهوم پیشنهادات مشترک را که از طرف نخست وزیر انگلستان و رئیس جمهوری امریکا در تاریخ ۸ شهریور بعنوان آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران در خصوص حل و فصل قضیه نفت ارسال شده صریح و روشن سازد. همچنین درین پیشنهادات علل و جهات عدم قبول پیشنهادات متقابل را که در تاریخ دوم مهرماه از طرف دولت ایران تسلیم شده بود و دوباره در تاریخ ۱۵ مهر یادآور شده بودند ذکر شده است. دولت ایران در یادداشت مورخ دوم مهر خود يك سلسله بیانات نادرست نسبت بروش سیاسی دولت علیاحضرت ملکه انگلستان و رفتار و کردار شرکت نفت انگلیس و ایران نسبت بایران نموده است. بنا برین دولت علیاحضرت ملکه انگلستان مایل است حقایق مشروح ذیل را درین خصوص بیان نماید دولت علیاحضرت ملکه انگلستان هر گونه ابراز علاقه از طرف دولت ایران را برای بسط و توسعه روابط دوستانه بین دو کشور بنحوی که در یادداشت مورخ ۲۴ سپتامبر آندولت بدان اشاره شده بود حسن استقبال می نماید و بسهم خود سعی می کند آنچه در قوه دارد و بهر نحو میسر گردد چنین روابطی را ترقی دهد. ولی بین این ادعا و تحریف و سوء تعبیری که در پاسخ آقای دکتر مصدق پیشنهادات مشترک بعمل آمده و اشارتی که بسیاست باصطلاح امپریالیستی دولت علیاحضرت ملکه انگلستان شده سازش غیر میسر است. دولت ایران بخوبی واقف و آگاه است که حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران همواره هدف سیاست دولت علیاحضرت ملکه انگلستان بوده است. اگر احیاناً نفوذ و قدرت انگلستان که آقای دکتر مصدق (وصله امیر یالیزی بآن میچسباند) بنفع کشور ایران بکار برده نمیشد قطعاً سرنوشت ایران در قرون ۱۹ و ۲۰ مسلماً غیر از این بود. خاطرات فراموش شدنی است لیکن ملت ایران مسلماً حوادث سال ۱۹۴۶ را فراموش نکرده است این نکته را هم بطور کلی نباید فراموش کرد در روزگاری که انگلستان و

ایران در جنگ گذشته متحد بودند ( جنگی که صدمات و سختی های ناشیه از آن برای انگلستان بالنسبه بیش از آن بوده که متوجه ایران گردید) دولت انگلستان مقدار زیادی مواد ضروری بالاخص گندم بایران برای حوائج و ضروریات مردم کشوری تحویل نمود. و نیز طبق مقررات پیمان منعقدہ بین دودولت در پایان جنگ دولت انگلستان معادل ۸۳۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینک بابت استفاده از راههای ایران جهت منظور مشترک بدولت ایران پرداخت کرد و نیز دولت علیاحضرت ملکه انگلستان کمکهای ممکنه را برای اجرای برنامههایی که متضمن بهبود و ترقی منابع اقتصادی ایران و بهداشت عمومی و رفاه حال مردم ایران بود نمود و نیز پیوسته در ازدیاد درآمد خزانه ایران از صنایع نفت در نتیجه اقدامات روزافزون کوشا بود بلکه وسایلی فراهم گردید که این برنامهها بمرحله اجرا و عمل گذارده شود و اگر اینکارها بنحوی که امید و انتظار میرفت جامه عمل نپوشید این تصور راتحت هیچ عنوان نمیتوان از ناحیه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان و یا شرکت نفت انگلیس و ایران دانست، گفتههای دولت ایران با اعمالش منطبق نیست مخصوصاً در قضیه بستن قسولگری های انگلیس در ایران. دولت ایران برخلاف تعهدات مندرج در پیمانها و نزاکت بین المللی از پذیرفتن سفیر کبیر انگلستان بعلت اینکه این شخصیت سیاسی سابقاً در ایران خدمت کرده است امتناع نمود. و همچنین نسبت بیانک انگلیس در ایران و خاورمیانه و نیز در اخراج اتباع انگلیسی از ایران و یا عدم اعطاء روادید بکسانی که قصد مسافرت بایران را دارند تبعیض قائل شده است. بین دو کشوری که روابط دوستانه بایکدیگر دارند معمول نیست که مکاتبات سیاسی فیما بین با ذکر کلمه ضرب الاجل رد و بدل شود باپیش گرفتن چنین رویه ای کمتر احتمال می رود که دوستی بین مردم این دو کشور ادامه یابد. دولت علیاحضرت ملکه انگلستان در این موقع علاقمنداست و لوبطور اختصار و از نظر کلی باشد نسبت باظهارات آقای دکتر مصدق در خصوص شرکت نفت انگلیس و ایران توضیحاتی بدهد. اولاً این شرکت یک شرکت انگلیسی است و دولت علیا حضرت ملکه انگلستان اتهام دکتر مصدق را باینکه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان حق ندارد از مصالح این شرکت که ملیت انگلیسی دارد برای جبران رفتار ناهنجاری که دولت ایران بانقض یکطرفی قرارداد ۱۹۳۳ در آن نموده حمایت کند جدا تکذیب میکند بعلاوه نه قضاوت دیوان بین المللی لاهه و نه هم تصمیم شورای امنیت (دایر بر عدم اقدام در موضوع نفت ایران مادام که موضوع بدیوان لاهه مراجعه شده) هیچ یک نمیرساند که شورای امنیت و دیوان بین المللی لاهه بسا عمل دولت ایران موافقت دارند و یا حمایت دولت علیا حضرت ملکه انگلستان را از شرکت محروم می کند. رأی دیوان بین المللی لاهه این نبود که منازعه بین دودولت وجود ندارد که بتوان آنرا بقضاوت بین المللی احاله کرد بلکه این بود که شرطی که دولت ایران برای قبول ماده اختیاری مربوط بقضاوت اجباری قائل شده بود اجازه نمیداد که بدون رضایت ایران دیوان لاهه قضاوت کند و این رضایت را هم دولت ایران نداد. دولت علیا حضرت ملکه همچنان اتهاماتی را که نسبت بشرکت نسبت داده می شود که در امور ایران دخالت میکرده و یا از آزادی عمل دولت ایران جلوگیری می نموده و یا تعهدات خود را بر طبق قرار داد

انجام نمیداده رد میکنند. این اتهامات ناروا کراراً برای منظور تبلیغاتی شرکت نفت نسبت داده شده و ثابت شده است که همه بی اساس اند. دولت علیاحضرت ملکه انگلستان نسبت باین اتهام که اقدامات اقتصادی و مالی آن در گذشته بدین منظور بعمل آمده که ایران را مجبور بتسلیم بشروط غیر عادلانه نماید جداً اعتراض میکنند و این حرف را که پیشنهادات مشترك مؤید این اتهامات است رد مینمایند.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان کراراً توضیح داده است که بعضی سهولتهای مخصوص که در گذشته بایران اعطا میشد از این نظر بود که بلوک استرلینگ از جریان نفت ایران بهره مند میگردد ولی حالا که دیگر نفت ایران بیازار هادینا جاری نمیشود این سهولتها دیگر موردی ندارد و آنهم نتیجه مستقیم عمل دولت ایران است. در خاتمه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان هنوز امیدوار است که راهی برای حل منازعه نفت بر طبق مصالح و حقوق طرفین پیدا شود. دولت علیاحضرت ملکه انگلستان کاملاً معتقد است که حل این منازعه بر اساس پیشنهاد مشترك سی ام اوت که هم ایران و هم دنیا از آن منتفع شود امکان پذیر است»

### بخش یازدهم - قطع رابطه با انگلستان

روز ۲۴ مهرماه دکتر مصدق گزارشی برای تقدیم بمجلس شورای ملی تهیه کرده بود ولی بواسطه آنکه گروهی از نمایندگان در جلسه مجلس حضور بهم نرسانند و حد نصاب حاصل نشد گزارش مزبور از رادیو تهران بشرح زیر بخش گردید:

«مجلس شورای ملی - آقایان نمایندگان محترم مستحضرنند که جناب ملی ایران از روز اول با کارشکنیها و تحریکات عوامل شرکت سابق و دولت انگلیس در داخل و خارج کشور روبرو گردید. این تلاشها و تشیبات که زحمات فوق العاده برای ما فراهم نمود ضمناً با بروی خود آنها نیز لطمه زد زیرا هر یک از این اشتباهات پرده تازه ای از روی رفتار ظالمانه زورمندان برداشت و چهره سیاست استعماری آنان را بیشتر نمایان ساخت بامختصر تأملی آقایان بخاطر خواهند آورد که از روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا امروز که قریب نوزده ماه از اولین تصمیم مجلسین میگردد چه مشکلاتی در راه موفقیت ما بوجود آورده و تا چه حد دامنه تحریک و آشوب و اغتشاش را فقط بخاطر منقبت طلبی و استفاده جوئی توسعه داده اند. پس از آنکه صنعت نفت بتصویب مجلسین ملی شد و ملت ایران باین آرزوی خود رسید دولت انگلیس برای جلوگیری از اجرای آن نخست دست بحربه ارباب و اخافه زد و برخلاف شرائط دوستی که پیوسته از آن دم میزد ملت صلح دوست ما را بسزای آنکه از یکی از حقوق اولیه خود استفاده کرده بود بکشتیهای موریشس و فلانگو و قوای زمینی و دریائی و هوائی متمرکز در درون نزدیک مرزهای ایران تهدید نمود.

ملت ایران که در راه رسیدن بآمال ملی خویش برای تحمل هر گونه سختی و مشقت خود را آماده کرده و در این راه تا پای جان ایستاده بود از این تهدیدات باکی نداشت خاصه آنکه میدانست با وجود بیداری ملت‌هایی که قرن‌ها طعم تلخ حرمان از آزادی

و عدالت را چشیده اند و با وجود منشور ملل متفق و سایر مقررات و عهود بین المللی از این پس دیگر امکان تجاوز و تعدی دولتهای زورمند بخاک ملت‌های ضعیف وجود ندارد مگر آنکه بخواهند بدست‌آور و عنوانی آتش جنگ بین المللی سوم را روشن کنند و این کار هم چنان جنایت عظیمی است که هیچ یک از ملل جهان گمان نمی‌رود حاضر بقبول مسئولیت آن باشد. چون حربه ارباب حریف بر اثر ثبات و مقاومت ملت ایران از کار افتاد دولت انگلیس تدبیری دیگر اندیشید و هنگامی که از قدرت نمایی طرفی نیست قیافهٔ مظلومانه بخود گرفت و آنچه توانست کوشید تا ملت ایران را در انظار جهانیان مردمی غاصب و متجاوز بحقوق دیگران معرفی کند. دولت انگلیس در این راه از کلیهٔ و سائلی که در اختیار داشت استفاده کرد از جمله از سرمایهٔ باد آوری که محصول دسترنج کارگران پابره‌نه و گرسنه و مظلوم ایران بود سهمی برای مطبوعات و تبلیغات در پاره‌ای از کشورها اختصاص داد. شرکت سابق نیز با قدرت و اعتبار مالی که از یغمای ثروت ملت ایران اندوخته بود سعی کرد از هر گونه اقدام و عملی که نهضت ملی ایران را در داخله درهم بشکند و از انعکاس آن در خارج جلوگیری کند و فرود گذار نماید. دولت انگلیس که بهیچ عنوان حق دخالت در این امر را نداشت با تمام قوا از نقشه‌ها و نیرنگهای شرکت سابق پشتیبانی میکرد تا آنجا که کار اختلاف بین دولت ایران و یک شرکت طمع کار خارجی را بصورت اختلاف بین دو دولت بشورای امنیت کشانید. بیداری ملت رشید ایران در طول این مبارزهٔ حیرت بخش تاریخی که هر گونه تشبثات خارجی برای ایجاد شکاف در داخلهٔ مملکت را خنثی میکرد بدولتی که نمایندهٔ مردم بود نیرو و قدرت داد که با تمام ناتوانی مادی بتواند مظالم شرکت سابق و آثار شوم آنرا که در تمام شئون اجتماعی ما ریشه و نفوذ داشت بسمع جهانیان برساند.

نتیجهٔ مذاکرات شورای امنیت این شد که تاصدور رأی نهائی دیوان بین المللی دادگستری دربارهٔ صلاحیت خود، مذاکرات در آن شوری متوقف و موضوع مسکوت بماند و دولت انگلیس نه تنها از اقدام خود طرفی نیست بلکه بدین وسیله مظالم شرکت سابق و دخالتهای ناروای دولت انگلیس بر جهانیان روشن شد و حقانیت ایران هم در آن شوری مسلم گردید چنانکه از میان اعضاء شورای امنیت که از مردمی بصیر و مطلع و محیط بر اصول حقوق بین المللی تشکیل شده بود حتی یک نفر هم نبود که اذعان نکند اقدام مردم ایران بملی کردن صنعت نفت خود عملی است که هر ملت آزاد و مستقل در حدود حاکمیت خویش میتواند انجام دهد. نباید فراموش کرد که در حین اجرای قانون خلع بد، انگلستان توانسته بود با شباه کاری قرضی بعنوان قرار موقت از دیوان بدست آورد. دولت انگلیس از این راه افکار عمومی جهانرا مشوب میکرد که ایران بمقررات و عهود بین المللی بی اعتناست. ولی ما که بوضوح و بدهت حقانیت خود مطمئن و بانصاف و بصیرت قضات دیوان بین المللی دادگستری آگاه بودیم برای جلوگیری از این تبلیغات بعنوان اعتراض بصلاحیت در دیوان شرکت کردیم و نتیجهٔ این شد که دیوان عدم صلاحیت خود را اعلام کرد و دولت انگلیس

دراشراه نیز شکست خورد و برای شرکت سابق دیگر چاره‌ای نماند جز اینکه برای اقامه هر گونه دعوائی بمحاکم ایران مراجعه کند.

اکنون از حربه دیگری که استفاده میکنند همان فشار اقتصادی و مالی است که با قوتی هر چه تمامتر از روز نخست تا امروز آنرا بکار برده و می‌برند و با کمال وضوح بدون اعتناء بحقوق بین‌المللی و منشور ملل متفق خود دولت انگلیس هم ضمن پیام رسمی هشتم شهریور ۱۳۳۱ باین تجاوز علنی اعتراف و اذعان نموده است. منظور از فشار اقتصادی و تضییقات مالی از قبیل توقیف وجوه و اموال دولت ایران که با هیچ قانونی وفق نمیدهند اینست که دولت انگلیس بدین وسیله مردم این مملکت را مستأصل و پیریشان کند و زمینه را برای قبول تحریکات ابادی خود در ایران فراهم نماید شاید بتواند بموقع مقتضی بوسائلی که دنیا و ملت ایران بآن آشناست دوباره اوضاع را بحال سابق در آورد و حال آنکه در مقابل ملت هشیار و بیدار دل ایران این آرزوها جز خواب و خیال و این تشبثات جز تحریکات مذبحخانه چیزی نیست و اعاده اوضاع سابق از محالات است زیرا ملت قهرمان ما میدانند که حیات بدون استقلال و آزادی معنا و مفهومی ندارد. این نخستین بار نیست که ملت ایران گرفتار این قبیل سختی‌ها و مشقت‌ها شده است ملت کهنسال ما در طول تاریخ پرافتخار خود از این حوادث بسیار دیده و از این رنجها فراوان کشیده است. خدای توانا برای صبر و استقامت در برابر مصائب و مشکلات نیروئی شکست ناپذیر بما اعطاء فرموده است و ما این طوفان زندگی را که میدانیم مقدمه فرجی عظیم خواهد بود بعبادت قلبی دیرینه خود با آرامش خاطر پذیرفته ایم و با توکل بخداوند متعال راه دراز و دشوار را که در پیش گرفته ایم برای حصول بهداف عالی که داریم ادامه می‌دهیم و تردید نداریم اکنون که قسمت مهمی از این راه طی شده افق روشن بزودی بیدار خواهد شد. ملت ایران تربیت یافته تعالیم مقدس اسلامی است و صبر در مقابل شدائد را از قریض دینی خود میدانند علی‌الخصوص آنجا که پای حفظ ناموس ملت و دفاع از شرافت مملکت در میان باشد. اگر دولت انگلیس بمقررات بین‌المللی و اصول منشور ملل متفق معتقد میبود پس از رأی دیوان لاهه پیشنهاد دولت ایران را استقبال میکرد و آنرا با نهایت خوشوقتی میپذیرفت و این آتشی را که مدت‌هاست بدست یک شرکت منفعت پرست افروخته شده خاموش میکرد خاصه آنکه دولت ایران در پیشنهاد خود حاضر شده است غرامت مایملک شرکت را در ایران بر طبق قانون خود انگلیس و بآهر قانون دیگری که در هر یک از کشورهای جهان برای حل این موضوع وضع شده و شرکت سابق آن را بسود خود میداند قبول کند و قضاوت این امر را بعهده دیوانی که قضات آن از ممالک دیگرند و در بیطرفی آنان تردید نیست محول نماید ولی دولت انگلیس باین حسن نیت توجه نکرده و برای درهم شکستن نهضت ملی و تمام‌هم اومصرف بر این است که بطفره و تعلل دفع الوقت کند تا وضعی برای ملت ما پیش آید که آخرین رمق اقتصادی خود را هم از دست داده تسلیم مطامع آن دولت شود.

اکنون دولت ایران بدون اینکه از استفاده از منابع نفت خود صرف نظر کرده باشد میخواهد اصلاحات اقتصادی و مالی خود را قطع نظر از عایدات نفت شروع کند

و ثوابن بودجه مملکت را بر اساس عوائد جاری و قطعی خود تأمین نماید و اطمینان دارد که ملت و نمایندگان مجلسین برای اجرای این برنامه نهایت تقویت و پشتیبانی را نسبت بدولت مبذول خواهند داشت. پس از بیان این مقدمات اینک بعضی اقداماتی که بعد از آخرین گزارش خود به مجلس در تاریخ ۲۵ شهریورماه انجام شده است می پردازد: اینجانب در ضمن گزارش اخیر مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۱ صریحاً بعضی رسانیدم که روابط سیاسی بین دولتها فقط وسیله ایست برای حفظ دوستی و همکاری متقابل و چنانچه این نتیجه حاصل نشود و این روابط سیاسی فقط وسیله حفظ منافع و مطامع یکطرف قرار گیرد مصلحت ایجاد میکند که با قطع روابط بتحریکات و تشبثات روز افزون خاتمه داده شود. در همان موقع که گزارش اخیر بعضی مجلسین رسید باستحضار نمایندگان محترم رسانیدم که اگر دولت انگلیس روش فعلی خود را ادامه دهد معلوم خواهد شد که مناسبات آندولت با ما دوستانه نیست و در اینصورت ملت ایران جز قطع رابطه سیاسی بادولت انگلستان چاره ای ندارد. پیشنهاد متقابل دولت که با کمال حسن نیت تنظیم شده بود راه را برای حل اختلاف باز میگذاشت و گذشت ایران در این پیشنهاد با آنجا رسیده بود که قضاوت دیوان لاهه را که خود نیز اظهار عدم صلاحیت نموده است با شرائطی بپذیرد ولی این آخرین پیشنهاد ایران نیز چنانکه ملاحظه خواهند فرمود از طرف اولیاء دولت انگلستان مانند همیشه مورد توجه قرار نگرفت و به نتیجه نرسیده است.

دولت ایران برای نشان دادن حداکثر حسن نیت و گذشت در جواب پیام مشترك حضرت ترومن و جناب آقای چرچیل پاسخی بشرح ذیل فرستاد: (متن پاسخ در صفحات پیش نقل شده است.) با اینحال دولت انگلستان بدون توجه بمفاد این پیشنهاد که از روی نهایت حسن نیت تنظیم شده و راه عملی موضوع را روشن ساخت در تاریخ ۱۳ مهرماه ۳۱ بارسال این نامه مبادرت نمود (متن پیشنهاد ایدن و آنچه سون قبلا ذکر شده است) چون روزنه امیدی در پیام جناب آقای ایدن و زبرامور خارجه دیده میشد ولی مصرح و روشن نبود برای اینکه بار دیگر دولت ایران حسن نیت خود را اظهار و از قطع روابط سیاسی احتراز کند از نمایندگان شرکت سابق دعوت نمود که بتهران بیایند شاید بین دولت و آنان توافق حاصل شود. اکنون نامه ای که در این باب نوشته شده عیناً نقل می شود: (متن جواب دکتر مصدق بیادداشت های ایدن و آنچه سون قبلاً نقل شده است) پس از انقضاء يك هفته از ارسال نامه های فوق ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۳۱ کاردار سفارت انگلیس در تهران یادداشت ذیل را باینجانب تسلیم نمود. (قسمتی ازین یادداشت در صفحات پیش نقل شده است) گزارش امروز بعد از ۲۵ شهریور بعضی رسید و آقایان نمایندگان محترم کاملاً از آن مستحضر شدند ولی قبل از اطلاع از نظر دولت لازم است توضیحاتی چند راجع بآخرین جواب دولت انگلیس داده شود.

۹) در پیامهای دولت انگلیس مکرر از سوء تفاهماتی که بدون جهت برای دولت



ایران حاصل شده بحث نموده و بدینا و مخصوصاً بملت ایران خواسته اند ثابت کنند که احتیاطات دولت ایران مبنی بر سوء تفاهم است و اساس ندارد. یادداشت اخیر دولت انگلیس بخوبی روشن میکند که نگرانی های دولت ایران مبنی بر سوء تفاهم نیست بلکه ناشی از دقت و توجه کامل بمنویات آنهاست زیرا در این یادداشت ذکر شده است که: «دولت علیاحضرت ملکه انگستان در موقع اقامه دعوی شرکت ازدیوان تقاضا خواهد نمود که رسیدگی باین موضوع نماید که چه مبلغ غرامت نه تنها بابت از دست رفتن تأسیسات شرکت در ایران بلکه نیز بابت لغو یک طرفه امتیاز نامه سال ۱۹۳۳ که برخلاف تعهد صریحی است که در امتیاز نامه مبنی بر نهبی از این طریق بعمل آمده باید تأدیه شود». در هیچ یک از ممالک دنیا که صنایع خود را ملی کرده اند برای از میان رفتن قراردادهای خصوصی نافذ و صحیح هم غرامتی نپرداخته اند. دولت انگلیس میخواهد از ملت ستمدیده ایران بعنوان لغو قرارداد غرامت بگیرد یعنی مدعی است که دولت ایران نه فقط قیمت دارائی شرکت سابق در ایران را باید بحساب بیاورد بلکه بعنوان غیر معقول عدم النفع از ایران مطالبه غرامت مینماید و حال آنکه قرارداد ۱۹۳۳ نه تنها باطل است و هیچ عنوان قدرت قانونی ندارد بلکه اگر هم صحیح میبود اکنون با ملی شدن صنعت نفت کان لم یکن شده و هیچگونه اثر قانونی ندارد. بی مورد نیست در این جا یسار آوری شود قرارداد ۱۹۳۳ زاده کودتای ۱۲۹۹ می باشد و دولت انگلستان با تقویت دیکتاتوری در ایران اهم منظوره های خود را که صورت سازی برای تجدید و تمدید قرارداد داری بود تحت عنوان امتیاز ۱۹۳۳ بر این کشور تحمیل نمود و همین قرارداد باطل را که هرگز ملت ایران آن را نپذیرفته است اکنون وسیله مطالبه غرامت قرار میدهد و نمیشود باین نکته مهم توجه کند که امروز دیگر وضع جهان اجازه نمیدهد که دولت های استعماری از اینگونه امتیازات که با اجبار و اکراه تحصیل کرده اند استفاده کنند. (۲) دولت انگلیس چنین وانمود می کند که دولت ایران حاضر نیست قضاوت امر را بطور کلی بمحاکم دادگستری واگذار نماید. این ادعا نیز برخلاف حقیقت است زیرا چنانکه سابقاً بعرض رسانیده ام.

« پس از صدور قرار عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در سراسر جهان مرجع قضائی دیگری که صالح برای رسیدگی باختلاف دولت ایران و شرکت سابق نفت باشد جز محاکم وجود ندارد اگر شرکت نفت بر طبق اصول کلی آئین داری بخواند بمحکمه صالحه یعنی محاکم ایران رجوع کند البته میتواند هر نوع ادعائی را تحت عنوان غرامت در عرض حال خود بگنجاند. زیرا هر مدعی وقتی بمحکمه ای که بالأصله واجد شرایط رسیدگی است رجوع کند حق دارد موضوع دعوی خود را هر قدر میخواهد توسعه دهد ولی همین مدعی اگرخواست بمحکمه دیگر یعنی بمحکمه ای که بخودی خود واجد صلاحیت نیست مراجعه کند موافقت مدعی علیه هم لازم می آید و اولین شرط توافق اینستکه طرفین در ماهیت و حدود اختلاف فیما بین باهم کنار بیایند یعنی

معلوم کنند چه مطالبی را میخواهند بمحکمه مورد توافق رجوع کنند بعبارت واضح تر شرکت سابق ودولت ایران باید معلوم نمایند که چه موضوعاتی را میخواهند دردعوای خود مورد رسیدگی قرار دهند ودولت ایران درپیمای های خود این موضوع را معلوم وتصریح نموده است. اکنون با این توضیحات آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که دولت اینجانب تا آنجا که ممکن بوده سعی ومجاهدت خود را برای حل اختلاف بکار برده ولی با کمال تأسف دولت انگلیس تاکنون مانع حصول توافق شده وملت ایران را برخلاف موازین بین المللی همچنان در فشار اقتصادی قرار داده است و اکنون نیز با ادامه مکاتبات بی حاصل میخواهد از مرور زمان بمنفع خود استفاده کند ومارا از تعقیب رویه اقتصادی دیگری که باعث نجات وفلاح مردم ایران باشد بازدارد. هر چند درباره روش دولت نسبت بحل موضوع نفت در گزارش سابق بعرض مجلسین رسیده ودر آن تصریح شده است هر گاه نتیجه آخرین پیشنهاد و گذشته های دولت اینجانب اثر مطلوب ومترتب نداشته باشد ناچار باید رویه دولت انگلستان را مخالف با شرایط دوستی که همیشه از طرف دولت ایران رعایت میشده بدانیم و روابط سیاسی موجود را بی اثر بشناسیم و آقایان نمایندگان محترم نیز با آن موافقت فرموده اند معذک اکنون که متأسفانه دولت مجبور باتخاذ تصمیم مبتنی بر قطع روابط سیاسی شده است لازم میدانم مجدداً مراتب را باستحضار آقایان نمایندگان محترم برسانم. در پایان باید اضافه کنم که قطع روابط سیاسی دولتین بادولت انگلستان مستلزم قطع علائق دوستی بین دو ملت نمیشد زیرا ملت ایران همیشه بملت انگلیس بدیده احترام نگریسته وامیدوار است که زمامداران آن دولت نیز اندکی بیشتر بحقایق اوضاع فعلی جهان وبیداری ملل توجه کنند واز روشی که تا امروز معمول داشته اند منصرف شوند وسیاست خود را با وضع دنیای امروز منطبق سازند تا ملتین انگلیس وایران بتوانند بوسیله تجدید مناسبات سیاسی از روابط دوستی ووداد برخوردار شوند. اکنون برعموم افراد ملت ایران فرض و لازم است که بیش از پیش مراقب اوضاع باشند وبا بیداری واستقامت راهی را که در پیش گرفته اند ادامه دهند وتردیدى ندارم که چون این مجاهدت در راه حق انجام میشود خداوند متعال مدد خواهد فرمود که بنتیجه مطلوب برسد. <

روز سیام مهرماه ۱۳۳۱ وزیر خارجه ایران یادداشت زیر را بسفارت انگلیس فرستاد :

« توقیراً تصمیم دولت شاهنشاهی ایران را مبنی بر قطع رابطه سیاسی بادولت علیاحضرت ملکه انگلستان باطلاع شما میرسانم. دولت ایران بسیار متأسف است که مجبور باتخاذ این تصمیم شده است. در جریان اختلاف بسا شرکت سابق نفت دولت دوستدار همواره سعی وكوشش لازم بکار برده که این اختلاف لطمه ای بروابط دوستانه بین دو دولت وارد نیاید وعقیده دارد که هر گاه دولت انگلستان بمنظور ملت ودولت ایران که منحصرأ درصدد استیفای حقوق تضحیح شده خود بوده وهست توجه عادلانه و

مطابق با انصاف و دوستی مبذول داشته بود هرگز روابط بین دو دولت باین مرحله نرسید ولی متأسفانه دولت متبوع شما درین امر که برای ملت ما حیاتی است نه تنها کمک بجل اختلاف نکرد بلکه با حمایت غیرقانونی از شرکت سابق ممانع از حصول نتیجه گردید. بعلاوه بعضی از مأمورین رسمی آندولت نیز بواسطه تحریکات و مداخلات ناروای خود مشکلاتی بقصد اخلال در نظم و آرامش کشور فراهم ساختند. دولت شاهنشاهی ایران امیدوار است که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان به کیفیت و حقیقت نهضت و آرزوهای ملت ایران پی برده و در روش سیاسی خود تجدید نظر خواهد نمود. در صورتیکه چنین محیط مساعد و حسن تفاهمی ایجاد شود دولت ایران که همواره علاقمند بروابط حسنه بین دو دولت بوده با کمال میل در تجدید روابط سیاسی اقدام خواهد کرد. درخاتمه باستحضار میرساند که باعضای سفارت کبرای دولت شاهنشاهی در لندن دستور داده شده است که در ظرف یک هفته از تاریخ سی ام مهر ماه ۱۳۳۱ بتهران حرکت نمایند.

قبل از عزیمت کاردار و اعضای سفارت انگلیس از تهران دکتر مصدق پیام مفصلی خطاب بملت انگلیس انشا کرده و از کاردار مزبور تقاضا کرد آنرا با خود بانگلستان ببرد ولی کاردار از قبول آن خودداری نمود. پیام مزبور روز دهم آبان از رادیوی تهران پخش گردید و مشعر بر طمع ورزی شرکت نفت و افسراط دولت انگلستان در حمایت از منافع موهوم و نامشروع شرکت بود که منتهی بقطع رابطه بین دو دولت گردید و در خاتمه آن چنین گفته بود:

« دولت ایران صریحاً اعلام میکند که بین ملت ایران و ملت انگلیس نهایت صمیمیت باقی و برقرار و روابط دوستانه بین دو ملت همچنان استوار است. بهمین جهت اکنون که آخرین مأمورین سیاسی امپراتوری پایتخت ایران را ترک میگویند برای افراد انگلیسی اعم از بازرگانان یا مسافر کمترین مشکلی ایجاد نشده است. اینجانب یقین دارم که اگر روزی دفاتر سابق شرکت نفت در برابر چشم ملت حق پرست انگلیس گذارده شود و مداخلات و حق کشی ها و سیاست بازیها و تحریکات و یغمای او را یکایک نظاره کند بدون شك بصبر و بردباری و طاقت ملت ما آفرین خواهند گفت ولی پرده سیاه تبلیغات ناروای شرکت در خارج و داخل انگلستان جلو نشر حقایق را گرفته و یکبار دیگر این جریانات ثابت کرد که هنوز قدرت پول حق و عدالت قرن بیستم را مستخره می کند ولی ملت ما آنقدر مبارزه شرافتمدانه خود را ادامه خواهد داد که اکثریت افراد و ملت انگلیس بقضاوت بیطرفانه آقای مکنا برسند و سخطوری چند از آنچه را ایشان خوانده و شنیده اند بخوانند و بشنوند.»

بسیار کسانی بودند که میپرسیدند چرا دکتر مصدق روابط سیاسی ایران را با دولت انگلستان قطع کرد و هنگامی که انگلستان حاضر شده بود ملی شدن نفت را

(۱) Sir Arnold Mc Nair قاضی انگلیسی در دیوان بین المللی دادگستری لاهه که رأی بعدم

صلاحیت دادگاه لاهه در رسیدگی بقضیه نفت ایران داد.

بفنوان يك امر واقع شده‌ای بشناسد و و از انحصار خرید نفت ایران و دخالت در امور صنعت نفت خودداری کند و تقاضای خود را بمطالبهٔ غرامت محدود نماید چرا بچنین کاری مبادرت ورزید؟ جواب این سؤال را دکتر مصدق در مصاحبه‌ای که با خبرنگار روزنامهٔ نیویورک هرالدریون<sup>۱</sup> بنام مارگریته هیگینز<sup>۲</sup> داشته داده است. شرح این مصاحبه در روزنامهٔ مزبور بتاریخ سیزدهم آبان چاپ شده و بقرار زیر است:

« بنا بگفتهٔ دکتر مصدق قطع رابطه با انگلستان بیشتر از لحاظ جلوگیری از اغتشاشاتی بود که پیش بینی میشد و دکتر مصدق عقیده داشت که انگلیسها در صدد این بودند که از هر عدم رضایتی استفاده کرده و يك دیکتاتوری نظامی مانند آنکه ژنرال نجیب در مصر برپا کرده بوجود آورند » سپس خبرنگار مزبور از قول خود مینویسد که دکتر مصدق مصمم میباشد که از توسعهٔ کومونیزم در ایران جلوگیری کند و چنانچه دول باختری معتقد باین هستند که باید ایران را از محور روسیهٔ شوروی خارج ساخت صلاح درین است که با ایران کمک کنند نه اینکه با تضيیقات اقتصادی مانع از پیشرفت آن گردند.

داستان جریان ملی شدن نفت تا این جا که گفته شد حاکی از این بود که در ابتدا انگلیسها بی میل نبودند که نیرو بکار برده و از تخلیهٔ آبادان جلوگیری کنند ولی امریکا روی خوشی بچنین سیاستی نشان نداد و آنها هم منصرف شدند. سپس دولت امریکا کوشش فراوان کرد که قضیهٔ نفت را با توافق ایران و انگلستان حل نماید و عقیده داشت که حل قضیه بدست دکتر مصدق بهترین طریقی برای این کار میباشد و مخصوصاً پس از رأی دیوان لاهه و تجدید حکومت دکتر مصدق جدیت فراوانی نمود که انگلیسها از دعوای خود کاسته و گذشتهائی برای حل قضیه بنمایند. بعکس انگلیسها از ابتدا عقیده داشتند که دکتر مصدق مخالف هر گونه کار مثبتی است و تا وقتی که زمام کشور بدست او می باشد امیدی برای تصفیهٔ امر نخواهد بود. از موقعیکه دکتر مصدق پیشنهاد مشترك رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلستان را رد نمود تغییر عقیدهٔ فاحشی در بین زمامداران امریکا پدیدار گشت و انگلیسها بوسیلهٔ تبلیغات خود توانستند امریکائیها را بانظر خود همراه نمایند که حل قضیهٔ نفت بدون تغییر حکومت ایران میسر نیست. ولی در عین حال امریکائیها هواخواهی مردم را از دکتر مصدق مشاهده کرده و می گفتند که نباید دولت ایران را باندازه‌ای تحت فشار اقتصادی گذاشت که زمینه برای توسعهٔ عمایات حزب توده آماده گردد. در آن ایام دولت انگلستان سعی داشت که حل قضیه بسمامحه بگذرد تا انتخابات ریاست جمهور امریکا خاتمه یابد و حکومت جدیدی روی کار آید که نظرش با انگلیسها در مورد ایران یکی باشد و بتدریج موجبات تغییر دولت در ایران فراهم گردد. کم و بیش همه می دانستند که شانس و اقبال ایزنهاور در انتخابات آینده زیاد است و اگر حزب جمهوریخواه که طرفدار سرمایه دارهای